



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۸
دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ۱۵:۱۵ ریال

پروتکل مذاکرات نمایندگان دولت موقت با برژینسکی باید تماماً در اختیار مجلس و افکار عمومی قرار گیرد

موضوع مذاکرات نمایندگان دولت موقت (سپهر) بازرگان، دکتر یزدی، دکتر چمران) با برژینسکی در الجزایر، که در جلسه علنی روز پنجشنبه گذشته، به هنگام طرح مسئله گروگانها مطرح شد، موضوع مهمی است که باید پیگیری شود و چگونه این مذاکرات و احیاناً قراردادی که در آن بین برژینسکی و هیئت سفیری دولت موقت گذرا شده است، در اختیار مجلس و افکار عمومی قرار گیرد. مسئله بر سر یک خطای گذرا نیست. مسئله بر سر مضمون سیاسی معینی است که محتوی آن، سازش با رژیم در صحنه ۷

در جلسه علنی پنجشنبه مجلس گفته شد:

گروگانها بهانه اند، امریکا میخواهد انقلاب ایران را بکوبد

«محاصره اقتصادی و محاصره نظامی امریکا بعزت گروگانگیری نیست، اگر از امپریالیسم امریکا تجاوز را بگیری، دیگر امپریالیسم نیست.»

صفحه ۲

رفیق نورالدین کیانوری:

ضرورت پیروی از اصولیت انقلابی در برخورد به مسائل داخلی و خارجی ایران انقلابی

باز
باز
باز

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

مسئولان کشور، دانش آموزان، پدران و مادران! توطئه ضد انقلاب را برای جلوگیری از بازگشائی مدارس، متحداً خنثی کنیم!

چشم حراست کنید و گام در دام دشمن نگذارید. شما که با اعتصاب و راهپیمائی در بزاق در آوردن طاغوت سیمیم بودید، باید در این لحظات حساس از بزرگترین دشمنان انقلاب شکوهمندمان یعنی نظام جمهوری اسلامی، که اکنون در یک نبرد زندگی و مرگ با امپریالیسم امریکا، ضدانقلاب را از میان بیاورد و مجموعه رژیمهای ارتجاعی منطقه، از ترکیه گرفته تا پاکستان، درگیر است، با حفظ نظم انقلابی پاسداری کنید. دشمن میخواهد با ایجاد آشوب و درگیری نظام جمهوری ما را تضعیف کند و سپس به قربانگاه برود. شما باید بشما سربازان انقلاب، با صفت متحد خود مانع از اجرای این نقشه شوم شوید. هشدار ما به پدران و مادران است. توطئه امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ما وسیعتر و متنوعتر از آنست که در خیال گنجد. باید با هشیاری تمام به مقابله آن رفت. نباید این را از کسی بود راه هر قدر هم که جدی باشد، و این یا آن نارضایتی بجز حاصل برای عوامت ما ضد انقلاب قرار داد. ضدانقلاب مرگ انقلاب ما را میخواهد و ما خواهان تسکون و شکوفائی آن هستیم. تنها دستان دردم فشرده ماست که می-تواند کنبودهها و نارسائیها را از پیکر انقلاب ببرد. پس متحد باشیم و به تقاضای و پراگندگی میدان ندیم. در این لحظات حساس، مسلم و آموزگار، فرزندان کم تجربه خود باشید و دلسبا و چاهما را به آنان بشناسانید. باشد که صفوف فشرده فرهنگیان، دانش-آموزان و پدران و مادران، پشتوانه بازگشائی مدارس و مشت محکم بر دهان امپریالیسم تبهکار امریکا و مزدوران رسوای آن باشد.

روز اول مهر، روز آغاز سال تحصیلی برای میلیونها دختر و پسر، کودکان نوجوان میهن ما را، امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب پرورده اش، میعاد خود برای ایجاد هرج و مرج و تشنج و درگیری و جلوگیری از بازگشائی مدارس قرار داده اند. سازمانها و گروههای چپ نما و نیتز گروههای مائوئیستی - امریکائی در این مرحله فغانند و میخواهند بهر قیمت نگذارند که کلاسهای درس کشوده گردد. هماوائی گروههای وابسته به امریکا و چپ نماها در این عمل ضد-انقلابی همدار میدهند، که مسئله بسیار جدی است.

تعلیل مدارس تسوطه ای است از سوی امپریالیسم، که با هزاران دست، زمینه یک کودتای امریکائی را فراهم میکند. در شرایطی که این دشمن همدار گام حمله تدریجی و تدریجی را به دور انقلاب ما تکتک میسازد، اعتصاب در مدارس عملی است به منظور ایجاد جو آشوب و تضعیف نظام جمهوری اسلامی. ایقان قصد دارند که میلیونها کودک و نوجوان را زیر شماره های فریبنده بتیابانها بکشانند. میخواهند فرهنگیان و دانش آموزان را بجان یکدیگر بیندازند و ایجاد تفرقه و نفاق کنند. میخواهند میان دانش آموزان و پاداران، درگیری و رویارویی بوجود آورند.

هشدار ما به مسئولان مملکتی است که باید با یکار گرفتن همه هوشمندی و حزم و دور-اندیشی خود، چه در مرحله تصمیم گیری، چه در جریان عمل، و نیز با نشان دادن حداملائی خرد و نرمش توطئه ضدانقلاب را خنثی کنند. هشدار ما به دانش آموزان، این فرزندان انقلابی ماست، که با شرکت در جنبش انقلابی مردم ایران، در پیروزی انقلاب سهم فعال داشتند. این انقلاب مصور تلاشهای شما و پدران و مادران شمامست، باید از آن چون مردمک

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۹٫۶٫۳۰

موج تازه تبلیغات خبر گزارهای امپریالیستی علیه افغانستان

● پروان خط برژینسکی میخواهند
فیلمی درباره مبارزه مسلمانان افغانستان،
مونتاژ کنند و در تلویزیون نشان دهند

✳ چرا وسائل ارتباط جمعی ایران، که هم اخبار
را از قسول خبرگزاریهای امپریالیستی منتشر
میکنند، یک بار هم شده خبرنگار خودشان را به
افغانستان نمی فرستند؟!
صفحه ۲

سؤال!

خبرگزاری رویتر و رادیوهای
غربی (باشنای): هرزیم نظامی
ترکیه تصمیم دارد بار دیگر
پرواز هواپیماهای جاسوسی یو-۲
آمریکا را بر فراز ترکیه، برای
جاسوسی درباره فعالیت های شوروی،
مجاز اعلام کند
کیهان: شوروی از کودتای
ترکی اظهار رضایت کرده
(۲۹ شهریور ۵۹)
سؤال: چرا کیهان، میکوشد
و انمود کند که کودتای ترکیه
آمریکائی نبوده است؟!
باز
باز
باز

حزب توده ایران از راهپیمائی دانش آموزان در روز اول مهر ماه پشتیبانی می کند

درد که نوجوانان ما، که تا حد
جاننازی قهرمانانه، سیم شایسته ای
در پیروزی انقلاب دارند، با اتحاد
بیکار جویانه خود از آزمون مقابله
با توطئه های ضد انقلابی امپریالیسم
آمریکا و عناصر سربلند بیرون
خواهند آمد.
دیرخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
۱۳۵۹٫۶٫۳۰

ضد امپریالیسم، سرکردگی امر-
یالیسم امریکای و ضد انقلاب
پرورده آن بویژه در زمانی که
ضدانقلاب می خواهد با اختلال در
بازگشائی مدارس، زمینه تدارک
توطئه علیه انقلاب و جمهوری
اسلامی ایران را گسترش دهد،
بشود رسانند.
حزب توده ایران اقتدار راست

حزب توده ایران از راهپیمائی
دانش آموزان در روز اول مهر ماه
۱۳۵۹، که بنا به دعوت فقیه
عالیقدر آیت الله منتظری صورت
خواهد گرفت، پشتیبانی می کند.
به نظر حزب توده ایران
راهپیمائی دانش آموزان می تواند
بار دیگر عزم راستین نوجوانان ما
را برای ادامه مبارزه متحد بر

هیئت نمایندگی شوروی برای خرید نفت و گاز به تهران آمد

● معاون وابسته بازرگانی
شوروی در تهران: ما قیلا
تقاضای خرید نفت از ایران
را کرده بودیم.

عصر جمعه گذشته، یک هیات
اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی به
منظور شرکت در همین نمایشگاه
بین المللی تهران و مذاکره با
مسئولان ایرانی در جهت گسترش
روابط اقتصادی دو کشور وارد
تهران شد. آقای لاشین، معاون
وابسته بازرگانی سدرت شوروی
بقیه در صفحه ۷

اطلاعیه کانون دانش آموزان ایران: صفوف متحد و میلیونی دانش آموزان در روز اول مهر - مشت محکمی بر دهان ضد انقلاب

به ضدانقلاب اجازه نخواهند داد
که در صفوف متحد آنان نفوذ
کرده و دانش آموزان را وسیله ای
در جهت تضعیف انقلاب سازند.
دانش آموزان بیدار دل ما،
همانند گذشته، نیروی فعال انقلاب
و در خدمت مبارزه علیه امیر-
یالیسم سرکردگی امپریالیسم
آمریکا خواهند بود.
درد به امام خمینی رهبر
سازش ناپذیر انقلاب!
برقراری اتحاد همه نیروهای
انقلابی علیه امپریالیسم - سر-
کردگی امپریالیسم امریکا و
ضد انقلاب پرورده آن!
کانون دانش آموزان ایران
۵۹٫۶٫۲۹

نیز به دعوت حضرت آیت الله
منتظری پاسخ مثبت میدهد و از همه
اعضاء و هواداران خود و اولیاء
محترم دانش آموزان دعوت می-
کند تا با شرکت فعال، در این
راهپیمائی، صفوف متحد خود را
در مقابل دشمنان انقلاب تحکیم
بخشند.
دانش آموزان مبارز و انقلابی!
راهپیمائی پرشکوهِ و میلیونی
شما در روز اول مهر، به امیر-
یالیسم سرکردگی امپریالیسم
آمریکا و ضدانقلاب نشان خواهد
داد، که دانش آموزان ما همچون
گذشته از آگاهی و درک والای
انقلابی برخوردارند و هرگز

روز جمعه ۲۸ شهریور ماه،
فقیه عالیقدر حضرت آیت الله
منتظری در خطبه دوم نماز وحدت
در قم، از همه دانش آموزان دعوت
کرده اند تا به منظور خنثی کردن
توطئه های ضدانقلاب «تمام دانش-
آموزان روز اول مهر بیسر سر
کلاس حاضر شده و بعد از پایان
کلاس اقدام به راهپیمائی نمایند...»
کانون دانش آموزان ایران که
طی نامه سرگشاده مورخ ۱۳/۶/۵۹
و هشدارهای بی در می خود، همه
دانش آموزان را به اتحاد و یکشد
یاریگری در مقابل توطئه ای که
ضدانقلاب در روز اول مهر تدارک
دیدند، فراخوانده است! اکنون

سازمان جوانان توده ایران در راهپیمائی دانش آموزان در روز اول مهر ماه شرکت می کند

کند. دستهای شیطان بزرگ
برای نیل به این منظور شب و
روز گرم کار است.
باید برای نبرد علیه امیر-
یالیسم، سرکردگی امپریالیسم
آمریکا، یکبار دیگر عزم جزم
جوانان کشور ما را نشان داد و
به دشمنان رنگارنگ انقلاب و
جمهوری اسلامی ایران فشانند
که آنها نخواهند توانست در
صفوف یکپارچه خلق رخنه کنند.
همه با هم در راهپیمائی اول
مهر ما!

سازمان جوانان توده ایران
برای آنکه یکبار دیگر اراده مردم
ایران بویژه جوانان این کشور
در دفاع از انقلاب و جمهوری
اسلامی ایران تجلی شود، از همه
اعضاء و هواداران خود، از همه
جوانان زحمتکش و آموزنده
دعوت می کند که به پیام فقیه
عالیقدر آیت الله منتظری پاسخ
شبت دهند و به شکل وسیع در
راهپیمائی اول مهر ماه ۱۳۵۹
شرکت ورزند.
دشمنان انقلاب از راههای
مختلف سعی دارند در میان مردم
تفرقه بیاکنند، صفوف انقلاب را
سست سازند و انقلاب را منزوی

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

قسمت اول مذاکرات جلسه علمی روز پنجشنبه گذشته را در نامه مردم خواندید. در این شماره دومین قسمت مذاکرات علمی مجلس به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

در تعلقهای پیش از دستور، ابتدا آقای موسوی گنابادی در مورد جنگ ایران و عراق صحبت کرد.

وی گفت: جنگ میان ایران و عراق، جنگی است که هم به ایران و هم به عراق تحمیل شده است. این جنگ به ایران از این نظر تحمیل شده، که میبایست نیروهای نظامی دولت یعنی عراق به خاکش، به مرز ما، به پایکامات هایش حمله می‌کنند و ما مجبور به دفاع هستیم. در صورتیکه ما قصد جنگ با هیچ دولتی مخصوصاً دولتی می‌نکردیم. پس این جنگ بر ما تحمیل شده است. اما جنگ بر عراق تحمیل شده، چون خود عراق کارهای نیست. صدام حسین از خود اختیاری ندارد. این آمریکا و کارتر است که جنگ را بر او تحمیل کرده است. ملت عراق با ما جنگ ندارد. فقط دولت عراق است که با ما سر جنگ دارد. پس در حقیقت جنگ ما با عراق نیست، جنگ ما با آمریکا است.

موسوی گنابادی در قسمت دیگری از سخنرانی خود، آمادگی مردم خراسان را برای رفتن به غرب کشور و جنگ با عراق اعلام کرد و گفت:

من از پشت این تریبون با قاطعیت و صراحت از طرف مردم خیز و مبارز و مسلمان خراسان اعلام میکنم و این اعلام نه آن است که من بخوام اعلام کنم بلکه آنها به من گفته‌اند، یکبارچه آمادماند که به جنگ با دشمن بروند.

پس از آن، آقای رحیمی زاجر، نماینده سنقر کرمانشاه، پس از صحبت در مورد صدور احکام فوجیان، درباره مشکلات مردم حوزه انتخابیه خود توضیح داد. پس از تعلقهای قبل از دستور، مسئله «گروگانها» مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا در مورد کلیات این موضوع صحبت شد و نامه عده‌ای از نمایندگان، که در آن چارچوبی برای بررسی موضوع «گروگانها» مطرح شده بود، خوانده شد. در این نامه درخواست شده بود که پیش از انتخاب اعضاء کمیسیون رسیدگی به وضع «گروگانها» چهار مسئله اساسی در مورد «گروگانها» در مجلس مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. این چهار مسئله عبارتند از:

۱- موضع انقلاب اسلامی جمهوری اسلام ایران در مقابل ابرقدرت آمریکا چگونه است؟

۲- آیا «گروگانگیری» اساساً یک عمل انقلابی بوده است؟ این موضوع به رای مجلس گذاشته شود.

۳- آیا محاصره اقتصادی و محاصره نظامی و فشارهای سیاسی آمریکا و عوائل آنها نتیجه «گروگانگری» است، یا بنا به اقتضای ماهیت تجاوزکارانه آمریکا، بخصوص در رابطه با انقلاب اسلامی ایران است؟

۴- آیا، چنانکه برخی معتقد هستند، انقلاب ما را به اتزوا کشانیده است؟

یا دولت آمریکا مدارا نمی‌کنیم

پس از آن، بحث کلی در مورد موضوع «گروگانها» شروع شد. اولین ناظر، آقای موسوی جهان‌آبادی بود. او در موردنامه گروهی از نمایندگان درباره «گروگانها» گفت:

این نامه‌ای که عده‌ای از برادران نماینده اعضاء فرمودند، از جمله راجع به اینکه، آیا این مسئله «گروگانگیری» یک عمل انقلابی است، اصلاً این قابل بحث نیست. شکی نیست که یک عمل انقلابی است. اما ما در سخنرانی خود فرمودند: «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول و ملت ما هم انقلابی بودن را تأیید کرد و بایستی هم تأیید می‌نمود، چون و اقتضا یک عمل انقلابی بود که دولت آمریکا را هم به وحشت انداخت. بنابراین از این جهت قابل بحث نیست».

وی در مورد بهره‌برداری از این عمل انقلابی گفت: «بایستی از این عمل انقلابی بهره‌برداری انقلابی هم نمود. ما نمی‌توانیم از این عمل به سادگی بگذریم و این فرصت را منتقم نشمریم. شکر نیست که سفارتخانه نبوده، جاسوسخانه بود و اعضاء سفارت جاسوسهای بودند که در اینجا مشغول به کار بودند. از طرف ما مردانیم که بر فرض اگر ما بخوایم مدارا کنیم با دولت آمریکا، آمریکا کمترین مدارائی را با ما نخواهد کرد. بنابراین ما باید از این عمل بهره‌برداری کامل بکنیم. بایستی بهره‌برداری کامل نمود. البته آنچنانکه مصالح و مقتضیات ایجاب می‌کند. مخصوصاً امام هم با راضیایی فرمودند که اگر چنانچه این مسائل از طرف دولت آمریکا تدوین شود، ما چنین و چنان می‌کنیم. مطابق دستور امام ما نمی‌توانیم راجع به این «گروگانها» عمل کنیم».

ناظر بعدی آقای خزاعی بود، که در مورد مسئله «گروگانها» سخنرانی کرد. او گفت:

«اولاً سبب و تکر خود را و همچنین نمایندگان محترم را از برادران دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ابراز بکنم در ایجاد یک انقلاب دوم و سپس و تکر از آنها، که در این چند ماه با تلاش و کوشش تمام در حفاظت و حرمت آنها سعی کرده‌اند و این را ملت ما هرگز فراموش نخواهد کرد».

در جلسه علمی پنجشنبه مجلس گفته شد:

مجلس

گروگانها بهانه‌اند، امریکا می‌خواهد انقلاب ایران را بکوبد

جنایات آمریکا در ایران

خزاعی در مورد جنایاتی که امریالیسم آمریکا در ایران در طول ۶۰ سال کرده است، گفت:

واقعیت این است که تصرف لانه جاسوسی فریاد ملت ایران و همه مستضعفین جهان بود بر علیه، امریکا و نظام او. واقعیت دوم این است که حداقل شاید ۴۵ سال است که آمریکا در ایران حکومت می‌کند و بنا بر این در بررسی وضعیت «گروگانها» و یا جاسوسها باید در نظر داشته باشیم که ما تمام مظلومی که در این طول ربع قرن کشیدیم، نیمی از نوع حکومت آمریکا بر ملت ما بوده و این را باید به خاطر داشته باشیم. واقعیتی دیگر که مطرح است این است که، بعضیها می‌ترسند از اینکه اگر ما «گروگانها» محاکمه کنیم و یا تصمیم شدیدی در مورد آنها بگیریم، آمریکا در آینده با ایران چه خواهد کرد و حمله خواهد کرد و همه ما را خواهد کشت و از بین خواهد برد. آمریکا چه می‌تواند بکند که تا حالا نکرده است. در دوران رژیم شاه که به شدیدترین وضعی مردم ما را به هلاکت رسانده بعد از انقلاب هم درست است که الان ما میبایست نامه‌هایی از طرف ۴۴۰ نفر از کنگره آمریکا یا مردم آمریکا به ایران می‌آید که تلویحاً در نامه به شکلی عذرخواهی شد، ولی واقعیت این است که آمریکا بعد از انقلاب اسلامی ایران با تمام قوا و نیرو علیه انقلاب کوشیده است. اگر آمریکا مستقیماً فتوحاتی را نیابده که ایران را بیابان بکند، چون نمی‌توانست در افکار عمومی جهان اقدام را بکند والا وقتی ما عراق را می‌بینیم در واقع آمریکا را دارد با ما می‌جنگد. مسئله طیس، مسئله کودتا، مسئله تمام تحصن‌ها و انتصاب‌ها، که در سراسر ایران نشی آمریکا در آنها مشاهده می‌شود بنابراین ما هر اقدامی بکنیم، این را من به صراحت عرض می‌کنم، آمریکا تصمیمی نداشته که عملی نکرده باشد پس ترس از اقدام شدید آمریکا در آینده به نظر من در مورد «گروگانها» یک ترس بیجا و بیبوده است».

الگوی دخالت آمریکا

خزاعی سپس در مورد محاکمه «گروگانها» به عنوان مظهر دخالت آمریکا در ایران گفت:

واقعیتی دیگر که لازم است مطرح بکنم این است که، همانطوری که مجلس مصمم است و مشاهده هم می‌شود، با تمام نیرو و امکانات، با شدیدترین وضعی که اسلام و ملت ایران اجازه می‌دهد، با مسئله «گروگانها» برخورد خواهد کرد. اما مسئله دیگری که به نظر من مهم است این است که، مظلولیت «گروگانها» برای ما به عنوان یک شخص قاتل و جانی نیست. «گروگانها» در ایران به عنوان یک الگوی دخالت آمریکا در سرخوش مردم ایران مطرح‌اند. مسئله اینجا است که اگر ما بخوایم «گروگانها» را محاکمه بکنیم، که جاسوس بودن آنها برای ما ثابت شود، این یک تسویل حاصل است. چرا که ما می‌دانیم، اگر نگوییم همه آنها، حداقل عده‌ای از آنها واقعا جاسوس می‌کرده‌اند و جاسوس بودند، بلکه ما «گروگانها» را باید به عنوان یک بخشی از فکر سیاسی آمریکا و بعد دستی از دخالت آمریکا در ایران تحت محاسبه بکنیم و بر وضعیت آنها را روشن بکنیم».

آقای خزاعی سپس در این مورد که آمریکا ارزشی برای جان «گروگانها» قائل نیست، گفت:

«مسئله دیگری که از طرف آمریکا مطرح است، اینجاست که، آمریکا ارزشی برای جان این ۵۰ نفر قائل نیست، چرا که ما می‌بینیم عده‌ای از اتباعش را در سجنه‌های جنگ ویتنام و دیگر از دست می‌دهد. آمریکا می‌خواهد به وسیله این «گروگانها» و بهره‌برداری تبلیغاتی و سیاسی دقیقاً انقلاب ایران را بکوبد پس مظلولیت «گروگانها» برای آمریکا به عنوان ۵۰ نفر از تبعاتش نیست، بلکه بابت مظلولیت سیاسی است، که گروگانها برای آمریکا دارند. من منتدم که مظلولیت سیاسی «گروگانها»، جاسوسها برای آمریکا الان در بحرانی‌ترین منطقه و نقطه است. به این دلیل که شما اگر وقت بکنید، ریگان و کارتر و قبل از آن کندی، این سرمایه‌های مشخص سرمایه‌داری آمریکا، تمام تلاش آنها برای بهره‌برداری انتخاباتی روی مسئله «گروگانها» بود. الان مسئله «گروگانها» برای آمریکا حادث است».

مسئله دیگر اینجا است که برای ملت ایران به هیچ عنوان ریگان و کارتر فرقی نمی‌کنند، چرا اینکه، اینها همه بهره‌های جا بجا شده حکومت امریالیستی آمریکا هستند. براساس این، اینجا گل‌گدازه آمریکا است، که ما باید بگیریم بزرگترین ضربه‌ای که ممکن است به این وسیله بر یکباره حکومت چابک‌انگاری آمریکا در اینجا فرود بیوریم و اجازه ندهیم که از این مسئله

در مورد وقتی این مسائل متنی شد و مسئله انتخابات آمریکا بر تراز شد، دیگر این مظلولیت سیاسی به این شدت برای این رهبران، که می‌خواهد بهره‌برداری بکنند، مطرح نخواهد بود. بلکه بعد از پیروزی یکی از این عناصر رسد، استفاده‌های تبلیغاتی از مسئله «گروگانها» یا جاسوسها خواهد کرد».

وی سپس گفت: «نظر دیگری که من دارم این است که، ما نباید به آمریکا رشوه بدهیم. اگر ما ۸۰ میلیارد دلار پولمان در بانکهای راکفلر و آمریکا بپوشیم و دوزی به حساب خودشان ۲ میلیون دلار فصل بهره آن می‌شود، که در عرض این مدت حدود ۶۰۰ میلیون دلار فقط بابت بهره آن طلبکار می‌شویم یا اگر همدت بدی که ما طلبکاریم که ما نداده، و خیلی از دهائی که ما مطرح کردیم، اینها حق ما است. ما در قبال گرفتن این حق که نباید به آمریکا رشوه بدهیم».

مسئله اینجا است که متأسفانه آمریکا آمده است از آن طرف در دادگاه لاهه و در سایر دادگاهها دعوی بر علیه ایران طرح کرده و ما مطالب را بطور کلی بیان کردیم. یک پیشنهاد من دارم که به شدت تمام و از موضع قدرت و با دست داشتن ابتکار عمل ایران یک دیوان محاسبات تشکیل بدهد و مطالباتی که ما در عرض این ۲۰ تا ۳۰ سال از آمریکاداران، خساراتی که وارد شده، همه را بصورت مسدود و رقم خسارات معنوی که قابل محاسبه نیست، خسارات مادی را مشخص بکنیم و به سراسر دنیا اعلام بکنیم، که فقط اینقدر میلیارد دلار خسارت مادی آمریکا است بجز آنکه ما در اینجا را در مجامع عمومی و افکار عمومی دنیا بر علیه آمریکا علم بکنیم».

۲۵ سال تجاوز مستقیم آمریکا

ناظر بعدی علی آقامحمدی بود. وی در مورد «گروگانگیری» گفت:

«ما همه این «گروگانها» که گرفتیم حقتان است و حاضریم در هر جا پشتیبانیم به بحث، تا بینیم یا چه مجوزی آمریکا به ما ۲۵ سال مستقیم تجاوز کرده. بعد از اینکه ما با منت و دندان بیرونش کردیم، باز هم تجاوز می‌کند، یک چنین جنایت‌کاری با وجود اینکه با سبزه‌ها، با ۲۰ هزار شهید دستش را کوتاه کردیم، باز در داخل و خارج بر علیه ما توطئه می‌کند. به ما تجاوز شده و ما برای اینکه دفاع از حق خودمان بکنیم، به آمریکا تجاوز کرده‌ایم. حالا بیاییم ببینیم که تجاوز اصلی است».

او سپس گفت: «البته من می‌دانم که آقای قلی‌زاده که به خارج می‌روند، هیچوقت پیش مردم محرومانجا نرفته‌اند. رفته‌اند در مذاکرات رسمی شرکت کرده‌اند. پس انتظار داشتید مقامات دولتی تجاوزگر جهان تأیید کنند؟ انتظار داشتید که مرگشان را اعضاء کنند؟ بیایند برویم از مردم دنیا بپرسید، از ملل مستضعف بپرسید، بروید از مردم پاکستان بپرسید که بعد از این عمل ما، آنچنان جاسوسخانه آمریکا را به آتش کشاندند. برویم از جنوب لبنان بپرسیم، که سنی حرکت و مبارزه را در مقابل دشمن آغاز کردند، برویم بپرسیم، از سیهان آمریکا بپرسیم، از سرخوستان آمریکا بپرسیم، تا ببینیم که آنها تأیید می‌کنند یا نه؟ برای آنها توید است. الان سال ۴۲ است، جنگ ما با آمریکا ۴۲ اش است. حالا هنوز خیلی باید کار بکنیم، تا به ۵۷ برسیم. این تلاش را، تازه آغاز کرده‌ایم و به خواست پروردگار به ۵۷ هم خواهیم رساند».

ماهیت تجاوزکار امریالیسم آمریکا

علی آقامحمدی سپس در مورد ماهیت امریالیسم آمریکا گفت:

«مسئله بعدی این است که، آیا فشارهایی که بر انقلاب ما وارد آمده، محاصره اقتصادی، محاصره نظامی و اینها جریاناتی که اتفاق افتاده، آیا اینها به علت «گروگانگیری» است، یا از ماهیت آمریکا و ماهیت انقلاب اسلامی ایران است؟ جواب آن روشن است: آمریکا، امریالیسم، اگر تجاوز را از او بگیریم دیگر امریالیسم نیست. آمریکا و بر قدرت، اگر زور گوی و توانش بگیری، دیگر امریالیسم نیست. در کشورها شناسائی حالا او می‌آید مغزهای علیل را در کشورها شناسائی می‌کند، حتی این مغزهای علیل، بدون اینکه خودشان بدانند، نوکر آمریکا می‌شوند. ما اگر از او بخوایم که تجاوز نکند، یعنی به او بگوییم میرد، شما انتظار دارید، کسی که در دنیا همه قدرتها، همه امکانات، همه زیرک‌ترینها و همه چیز را در اختیار دارد، ما به او بگوییم میرد، او هم بگوید چشم! خوب معلوم است که چنین نخواهد شد. معلوم است که تجاوزگر تجاوز

خواهد کرد. ولی «گروگانگیری» حسی که داشت‌این بود که، بیجا یک کلاه سرمان برود، حالمان نتوده سوارمان بشود و بعد به به یگوتیم، حالمان شد. فیدیم که نشسته در سارتر، آقای مقدم مراغه‌ای را سدا کردند، آقای امیرانتظام را فراخواندند، گروهها را خواندند، دارند یواش-یواش نقشه می‌چینند طرح انحلال خبرگان را ریختند، که مبادا یک قانون اساسی در نوشته بنام اسلام رسا موجودیت پیدا کند. ما توجه شدیم که اینجا نشسته در غرب کشور توطئه‌های آنچنانی کردند، ملت ما فهمیدند که این دشمن آمده تحت عنوان چه، تحت عنوان گروه‌های چه آمده اعلامیه پخش می‌کنند، مدارس ما را به تعطیل بکنند، دانشگاه‌های ما را به تعطیل بکنند، آنچنانکه دیدیم. سیواست این کشور را به اقتضای بکنند و در دنیا ثابت کند که اسلام توانایی اداره حکومت را ندارد. پس اینجوری جنگ کرده بودیم ما. ما رفتیم نقشه‌های را رو کردیم. کتیبه‌ها، مرده‌ها، جنگ. تو ناچارانه عهده جنگیدی. ولی با بد کسانی طرفی. مرده، بگو اهل جنگ. «گروگانگیری» اقتدر ارتش مثبت بوده که مرده جنگیدن را - که آنهم نه مرده - که رسالت آمریکا را رساند، که اگر یک ملت نخواهد زیر بارش برود، حتی غذا را برایش تحریم می‌کنند. آیا این ارزشی نیست در دنیا که ما رسا از آمریکا اضاغ گرفتیم؟ آید این ارزشی نیست که آنها بکنند فکر می‌کردند اروپا باید چنین آمریکا بشود، فهمیدند که اروپا و آمریکا یک نقش دارند بقری مسرکند، تجاوزگر، تجاوزگر است؟ آیا این سخن را رساندند که ما باید به مردم و به ملت ما بکنیم به به دولت؟ چه چیزی ما سیواستیم بهتر از این رساند؟ ما چند کار می‌کردیم که این ارزشها را جا بیاوریم؟ این برادران دانشجوی مسلمان خط امام، این عزیزان امام استاین حمل را برای ما کردند پس «گروگانگیری» ماهیت دشمن ما را رساند. حالا شما ببینید، ما انقلابان در این مدت بهترین حرکتها را کرده. هر که چرا کودتا شده، عراق چرا با ما بکنند؟ چرا الان آبهای خلیج فارس را ازو گنابادی دشمن می‌بیند؟ چرا همه چیز را برای ما می‌بینند؟ برای اینکه معلوم، چون ما بر علیه این قدرتی، اینها چه خواهند کرد یا ایران؟

... «گروگانگیری»، در دنیا سبب انزوی مانده یا یافت صدور انقلاب؟ کیبا ما را متزوی کردند؟ چه سبب انزوی ما شده، اما از طرف کسی؟ از طرف شما قدرتی تجاوزگر. ما افتخار می‌کنیم که نشان دادیم هیچکدام اینها را به رسمیت نمی‌شناسیم، اما انزوا را دولتمردان، اگر خدای ناگردد دوشمرد بشوند، که در اسلام خدمتگذار داریم و دوشمرد نداریم، از دید دولت ما می‌گویند. اما اگر از دید ملت ما می‌گویند، ته پیروز شدیم».

آقامحمدی در قسمتی دیگر از سخنانش گفت:

«ما عملکردمان در گذشته اشتباه بود. ما اتکله واقعی به ملت را نداشتیم. امور خارجی ما، سیاست امور خارجی ما، من اینکه اعتراض می‌کردم آنروز که آیا این اصلترین مسئله است یا نه، مال این است. اگر ما آن جهت انقلاب فراموشان نتوده اول باید چارچوب سیاست خارجیمان را روشن کنیم. اول نشست های آزادیبخش را بیاییم شکل بدهیم. طبق قانون اساسیمان از آنها حمایت کنیم. آنوقت هم با آمریکا می‌جنگیم. بنابراین انقلاب ما به انزوا کشیده نشده او افزود: «اول آمریکا رسا اسلام بکند و محکوم بکند دخالتش را در ایران، رسمی، نه ایمن نامه‌هایی که ۵۰ اضاغ می‌دهد. رسا بنویسد دخالتش را و محکوم بکند. دوم اینکه آمریکا که می‌گویند شرایط شما را می‌پذیریم، شرایطی که امام در قلم تأیید کرده بودند، یعنی از چیزهایی که می‌خواهد به غنی بیندازد و مثل مذاکرات قبل. ما اینجوری بلد نیستیم، انقلاب‌نوع جدیدی. بگوییم تا جقدر در آمریکا داریم دارد. بگوییم ایران جقدر داریم دارد. رسا اعلام بکنند. آنوقت تازه کمیون کارش را شروع می‌کند. اول بوجه جنگی را تعیین می‌کند، ارتش مستقیم را بیج می‌کند، آنوقت وارد کار می‌شویم. طبعی است که اگر خواستهای حقمان عزیز، اولین حق طبیعی ما طبق فرمایش امام محاکمه است و اولین محاکمه هم مال همان آقای است که چندین بار وقتها را بیازان کرده. یک هیئت حرکت خواهد کرد به وقتها، به مردم و وقتها خواهد گفت ما یکی از این قانون شما را داریم. شما در این مورد چه می‌گویند؟ با آنها بحث خواهیم کرد. آنها را به اینجا دعوت خواهیم کرد. اولین محاکماتش را راه خواهیم انداخت. بعد تا یکی، یکی نوبت محاکماتش خواهد رسید. در محاکمه است که معلوم می‌شود، بیگناه کیست یا گناه گیت؟ پیروزی مال ما است. محاکمه باید باشد. آنهم محاکمه اسلامی. از قضات بین المللی هم دعوت بشود و اینجا هم بیاید و تمام قراردادهای بین المللی که از دوره کودتای ۲۸ مرداد تا حالا، قراردادهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و غیره و غیره بسته شده، همه اینها باید مطرح بشود و بعد از آنکه مطرح شد در جلسه علمی، در تحت اختیار ملت فرمان ایران قرار داده شود تا کلاماً مشخص بشود که آمریکا تا بحال چه بلایی به سر این ملت قهرمان و مستضعف آورده است».

ضرورت پیروی از اصولیت انقلابی در برخورد به مسائل داخلی و خارجی

و خارجی

ایران انقلابی

متن کامل این «پیش و پاسخ» که شماره ۸ (۱۸) سلسله جزوه‌های «پیش و پاسخ» را تشکیل می‌دهد، طبق معمول به صورت جزوه جداگانه انتشار خواهد یافت. نظر به اهمیت و فوریت برخی از مسائلی که در این جلسه ضمن پاسخ به پرسش‌ها مورد تحلیل قرار گرفت، تسریع در انتشار آن را ضرورت دانستیم.

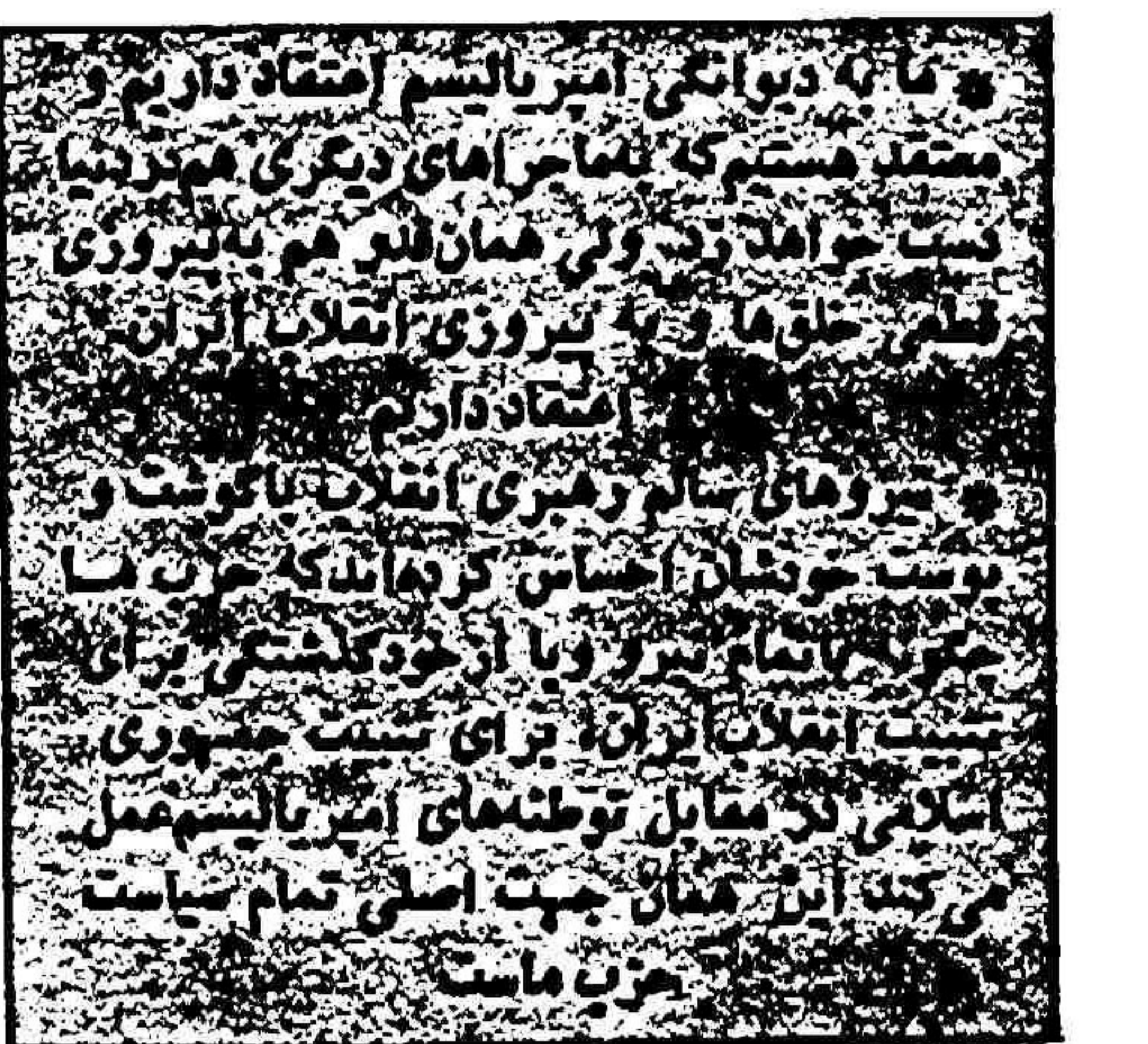
پخش اول مطالب «پیش و پاسخ» جلسه مورخ ۱۲ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ در شماره گذشته درج شد و اینک پخش دوم آن در زیر به چاپ می‌رسد.

س- در یکی شماره‌های هفته گذشته نامه "مردم" آمده بود که "ایران مردابی است که آمریکا بدون تردید در آن خواهد جهید. ولی این که تا زمانیکه نتواند خود را نجات دهد، بستگی به آمادگی، هوشیاری و اتحاد خلق و آمادگی مقامات مسئول - جمهوری اسلامی دارد." - اعلام این که آمریکا بدون تردید در این مرداب خواهد جهید، با این قاطعیت برپایه فاکت‌ها و شرایطی بوده است.

ج- به کار بردن این اصطلاح در اینجا یادنا درستی نیست. من همانطور که گفتیم آمریکا در ایران با یکی از بهترین گرفتاری‌های سیاسی تاریخ خودش روبرو است. ولی این که آمریکا باید یک کاری بکند و ناگزیر است که یک کاری بکند، یعنی اگر تمام این - وسوسه‌ها که تا به حال کرده است، به جایش نرسد و نتواند از راههای حق‌بازی و دیپلماتیک، موفقیتی برای خودش پیدا بکند، نتواند انقلاب ایران را تصفیف کند و به هدفهای خودش برسد. آن وقت باید یک کاری انجام دهد. برای اینکه به رسمیت شناختن تشبیهات تصور این که آمریکا دست به دیوانگی نخواهد زد، یک خوردن‌های دشوار است. به این جهت است که ما فکر می‌کنیم، که این احتمال خیلی زیاد است که آمریکا با این همه تدارکاتی که دیده است به یک دیوانگی دست بزند. و البته همانطوری که من گفتم، این که چقدر آمریکا در اینجا نتواند موفقیت پیدا بکند، تا جمع شود نتواند خودش را در اینجا تثبیت بکند. (در این ماجرای که دست خواهد زد)، بستگی دارد. به تمام آن عواملی که من صحبت کردم ولی در مجموع حزب ما معتقد است که آمریکا در اینجا علیرغم یک چنین دیوانگی هم، باز با ناگامی روبرو خواهد شد. همان‌طوری که در ویتنام، انقلابیون سرسبز جهان مقبده داشتند، که آمریکا - علیرغم همه دیوانگی‌هایش، حتی شکست خواهد خورد. این مسئله را انقلابیون در روزهای مطرح می‌کردند که آمریکا با تمام قوا و با وحشیگری، می‌خواست ویتنام شمالی را از پا درآورد. ولی ما با اعتقاد به روند تمام آن جریان ویتنام، با اعتقاد به مقاومت خلق ویتنام، با اعتقاد به نیروی عظیم جهانی که از خلق ویتنام پشتیبانی می‌کند، معتقد بودیم که آمریکا با شکست روبرو خواهد شد. حتی شکست خواهد خورد. معلوم می‌شد که بالاخره آرزیابی ما درست درآمد. تا به حال هم واقعیت این است که آرزیابی جنبه «نیروهای واقع بین» جنبه هواداران سوسیالیسم علمی در جهان در مجموع خودش درست درآمد. است. این ۶۲ سالی که از انقلاب اکثری - گذرد و به زودی دیگر به ۶۳ سال می‌رسد، نشان دهنده تحقق این امر است که «چیزی که این همه مخالف در جهان داشت، از آن ابدی که عبارت بود از سوسیالیسم علمی و زمانی در سراسر جهان همه قدرتهای ایدئولوژیک، نظامی، اقتصادی، سیاسی با آن مخالف بودند، یوازی، یوازی، نخستین هست به وجود آمد.

نخستین پایگاه سوسیالیسم به وجود آمد، نخستین کشور سوسیالیستی به وجود آمد. با تمام نیروها خواستند آنرا از بین ببرند نتوانستند. تمام نظام امپریالیستی در این تلاش با شکست روبرو شد، زلزله وار به لرزه درآمد. بعد از جنگ تمام تلاش‌های آنها برای محاصره کردن و محدود کردن جهان سوسیالیسم با شکست روبرو شد. و حالا هم روز بروز می‌بینیم که این امپریالیسم است که عقب نشینی می‌کند، شکست می‌خورد و با تمام دسایس جنینی و شیوه‌های حیوانی که به کار می‌برد قدرتش محدود و محدودتر می‌شود و این خلق‌ها هستند که یکی بعد از دیگری پیروز می‌شوند. به این دلیل است که ما به دیوانگی امپریالیسم اعتقاد داریم و معتقد هستیم که به ماجراهای دیگری هم در دنیا دست خواهد زد. ولی همان قدر هم که پیروزی قطعی خلق‌ها در مجموع و به پیروزی انقلاب ایران اعتقاد داریم.

س- درباره اعلامیه دانشمندان کول، درباره صحبت‌هایی که رهبران دیگر جمهوری اسلامی کرده‌اند - در ارتباط با دفاعات - گروهها و احزاب سیاسی و اینکه دبیرخانه حزب تا به حال باز نشده است - چه می‌گوید؟



حزب توده ایران، به عنوان یک نیروی هوادار سوسیالیسم علمی با سوطن نگاه می‌کردند. این سوطن شان به تدریج یک کمی پایه‌های خودش را از دست داد. با رویدادهای افغانستان وضع و مرحله تازه‌ای پیدا شد. امپریالیسم و ارتجاع و نیروهای افراطی - مذهبی در ایران (امپریالیسم و ارتجاع - آگاهانه و نیروهای افراطی مذهبی در ایران که جنبه ضد امپریالیستی داشتند - ناآگاهانه) موضوع گسری ها می‌را در رابطه با افغانستان دنبال کردند که نتیجه‌اش باز هم به یک سرری مناسبات بین حزب ما و نیروهای انقلابی دیگر انجامید. البته ما با موضع‌گیری اصولی که داشتیم نمی‌توانستیم مثل برخی گروههای دیگر که خیلی ادعای "اصولیت انقلابی" دارند، عمل کنیم و در مورد افغانستان، در یک مسئله حیاتی برای سیاست ایران که در آن اشتباه بزرگی برای حاکمیت ایران پیدا شد، به سود امپریالیسم سکوت کنیم. به این جهت بود که حزب توده ایران، حتی با توجه به این خطر که مارا مورد تجاوز سخت قرار دهند و فعالیت علمی ما جلوگیری کنند، اصولیت خود را حفظ کرد و از آنچه که درست بود، دفاع کرد. دفاع کرد از - اینکه در افغانستان نیروهای ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش می‌جنگند. درست است که آنجا هم ممکن است واقعا بعضی از نیروهای واقعی خلقی ضد امپریالیسم، از آنها که هوا دار خط‌مغنی یعنی یکی خط واقعا ضد امپریالیستی و خلقی هستند، در مبارزه درگیر شده باشند. ولی به نظر ما آنها گروه شده‌اند. جریان اصلی افغانستان عبارتست از مبارزه نیروهای واقعی ضد امپریالیستی با امپریالیسم که به صورت گروه‌های وابسته به امپریالیسم آمریکا و سادات پاکستان و چین، می‌خواهند افغانستان را به صورت دوران شاه ایران، به صورت یک پاکستان و مصر سادات درآوردند. ما بر پایه این واقعیت بود که سکوت را جایز ندانستیم و موضع‌گیری اصولی اتخاذ کردیم. ما معتقد هستیم که از این مبارزه داریم هر - بلند بیرون می‌آیم. یعنی حالا نیروهای دیگری، یوازی، یوازی می‌فیند که ما حق داشتیم و مسئله به این سادگی ما نبوده است. گفت که گویا مبارزه در افغانستان، مبارزه اسلام با کومنیسم است. نه این جور نیست - اسلام در آنجا، دو اسلام است: یکی اسلام مفتی‌ها و پاکستان - ضیاالحق و سادات، و یکی هم گروه کوچکی که از خط‌مغنی دفاع می‌کند. و در آن طرف تمام خلق ضد امپریالیست قرار گرفته، همین‌ها که الان می‌بینیم داوطلب می‌شوند. برای اینکه مبارزه کنند علیه باند‌هایی که از پاکستان با اسلحه آمریکا می‌آید و پول آمریکا می‌آید، با اسلحه چینی و پول چینی می‌روند برای از بین بردن انقلاب افغانستان، - همانطوری که الان باند‌های پالیزان و امثال او دارند. تجهیز می‌شوند برای از بین بردن دستاوردهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ایران.

ما فکر می‌کنیم که این گرایش‌ها که مرحله دوم فوق العاده منفی دوران انقلاب را تشکیل می‌داد و حزب ما را از سربلندی‌های انقلابی دور کرد به پایان رسیده است. در این زمینه باید دو عامل را در نظر گرفت.

یکی اینکه امپریالیسم درست در همین مرحله است که به تجاوزهای نظامی و به ماجراهایش برای در هم شکستن انقلاب ایران دست می‌زند. و به این ترتیب درستی تمام پیش‌بینی‌های ما و گفته‌های ما به ثبوت می‌رسد و نیروهای سالم انقلابی مذهبی - ایران، متوجه می‌شوند که خطر واقعا از کجا است. می‌بینند که خطر امپریالیسم آمریکا از بین نرفته و نشاندهنده قیافه امپریالیسم آمریکا هم نامه آقای کارتر به امام نیست. بلکه نوشته‌ای است که می‌خواست میلیون‌ها نفر از مردم ایران را با ناپالم نابود کند، تا حکومت اوبسی و پالیزان و بختیار و اشرف و شاه را در ایران مستقر سازد و این است واقعبینانه امپریالیسم آمریکا. این شناخت تغییر محسوس در مناسبات بخش سالی از نیروهای اسلامی با حزب ما - پدید آورد.

عامل دومی که در اینجا تاثیر کرد نقش حزب ما در مبارزه علیه توطئه‌های امپریالیستی است. نیروهای سالم رهبری انقلاب در این دوران با گوشت و پوست خودشان احساس کردند که حزب ما چگونه با تمام نیرو و با از خود گذشتگی برای تثبیت انقلاب ایران، برای تثبیت جمهوری اسلامی در مقابل توطئه‌های امپریالیسم عمل می‌کند و این همان جهت اصلی تمام سیاست حزب ما است. آنچه که ما در مطبوعات خود می‌نوسیم و به آن عمل می‌کنیم، همانست که آنها هم در عمل با تجربه خود به آن رسیده‌اند. در نتیجه ما فکر می‌کنیم که در برداشتن بخش قابل توجهی از محافل واقع بین حاکمیت کنونی ایران نیست به حزب توده ایران، تصمیمات محسوس در جهت مثبت، در جهت واقع بینانه پیدا شده است. به این جهت این نیروها در مقابل آن افراطیون راست، کوشش می‌کنند که - قانونیت فعالیت سیاسی در ایران تا به این برسد و علیه فشارهای گروه‌های افراطی راست که بدون شک (و ما این را با مدارک به رهبری انقلاب نشان داده‌ایم) عوامل ساواک و ضد انقلاب در آنها شرکت دارند، به نحوی مقابله کنند. البته زمان می‌خواهد تا این نیروها سرانجام با هم به نتیجه‌ای برسند. در اینجا باید این نکته را تأکید کرد که هستند سازمانهای سیاسی دیگری که با تظاهر به "چپ"، با تظاهر به "هواداری" از کومنیسم، در جهت کامل ضد انقلاب عمل می‌کنند. از آن جمله‌اند همه این گروه‌های تریه‌های بوک، اتحادیه کومنیست‌ها و غیره که با عنوان‌های پرطمطراق، نام کومنیسم روی خود می‌گذارند که ما همه آنها را کومنیسم - آمریکایی می‌نامیم. این دیگر در دنیا شهرت و شناخته شده‌است.

س- اختلاف بنی‌ساز و رجائی در مورد ترکیب کابینه، از نظر سیاسی به‌انگیز چه مسائلی است؟

ج- خوب، ببینید. به نظر ما در رهبری انقلاب، در رهبری جمهوری اسلامی بطور محسوس یک اختلاف جدی بین موضع‌گیری و سمت‌گیری - دکتر بنی‌صدر - رئیس جمهور و نه فقط رجائی - به عنوان نخست وزیر، بلکه اکثریتی در مجلس شورای اسلامی، در روحانیت مبارز، به ویژه حزب جمهوری اسلامی که از آن‌ها می‌آید، این سمت‌گیری در روحانیت مبارز است و وجود دارد. این اختلاف، تنها اختلاف سلیقه‌است، اختلاف برداشت نیست. این اختلاف به نظر ما وسیع‌تر و عمیق‌تر از آن است که ما آنرا اختلاف سیاسی تلقی کنیم. البته در تمام گزارش‌هایی که درباره مجموعه صحبت‌های مختلف مربوط به این اختلافات تهیه شده است، گفته می‌شود که نیروهای موافق حاکمیت کنونی در اصول، همه با هم کاملا موافق هستند، ولی در پیاده کردن این اصول روی افراد، روی تصمیمات، نمی‌توانند با هم بدرستی موافقتی پیدا کنند. البته اگر تمام گفته‌ها و صحبت‌ها: به آن طور که در روزنامه‌ها به عنوان بیانیه‌ها منتشر می‌شود، بلکه به صورت آرزیابی‌های شخصی نسبت به مسائل شخصی که انقلاب - ایران الان با آن روبرو هست، مطرح می‌شد، آن وقت می‌شد تفاوت دقیقی کرد که در کدام مورد، واقعا این طرف حق دارد و در کدام مورد این طرف حق دارد. و با در مجموع خودش این طرف بیشتر راه حق را دنبال می‌کند و آن طرف کمتر. به این جهت ملتقده‌ایم که در لحظه کنونی که انقلاب ایران با خطر بزرگی از خارج و داخل



آلونک یکی از کارگران رشتگر شهرداری منطقه ۱۰

در ضلع جنوب شرقی میدان تجریش، جا بجایه خرابه‌ای برمی‌خوریم که در آنند ها کپورزا غه بنا شده است. داخل محله می‌رویم و دربارۀ ساکنین آن پرس و جو می‌کنیم. اهالی می‌گویند که اینجا محل سکونت کارگران شهرداری منطقه ۱۰ است. حدود ۳۰۰ نفر در این محل برمی‌نشینند، که اکثریت قریب به اتفاق آنها "رشتگر" و تعدادی نیز "آسفالت‌کن" و تقریباً تمامی آنها "گرد" هستند.

قسمت عمده معالجات این آلونک‌ها را مقوات تشکیل میدهد، و در هر کدام از آنها، که مساحتشان بسختی به ۲ متر می‌رسد، گاه تا سه نفر زندگی می‌کنند. در داخل محله (قسمت شمال غربی) به کوهی از زباله و آشغال برمی‌خوریم که از شب قبل روی هم نیا رفته (تا بعدا بوسیله ماشین‌های شهرداری از آنجا برده شوند) و این‌ها در جای است که با محل سکونت کارگران بیش از چندمتری فاصله نیست. ساکنین این کپورها از ابتدای ترین وسایل زندگی تیر به سختی برخوردارند: بسیاری از آلونکها فاقد برق هستند برای رفیع نیا زندگی از آنجا کارگران نیز فقط یک شیرآب در قسمت غرب محله وجود دارد. توالت نیز مخروبه‌ای است که در انتهای شرقی محله واقع شده است. برای آشنایی بیشتر با وضع کارگران این محله با چند تن از آنها به گفتگو می‌نشینیم:

عباس: که ۲۲ سال دارد و اهل سقز است، می‌گوید:

"۲۲ سال پیش در پی یافتن کار از شهر خودمان به تهران آمدم ولی کار بهتراز این (رشتگری) پیدا نکردم. شهرداری بمن ۲۳۰۰ تومان حقوق میدهد و بقیه هم

نیستم. می‌پرسم: چرا؟ می‌گوید: برای اینکه اگر بقیه شوم، مجبورم که برای همیشه در تهران بمانم. این قانون شهرداری است. وی درباره کارش می‌گوید: از این کار اطلاعی نیست. ولی چاره‌ای نیست. مجبورم که تحمل کنم. اینها هم (مسئولین شهرداری) کسیه از موقعیت ما سوء استفاده میکنند و هر موقع دلشان بخواهد ما را به بیگاری می‌برند. همین چند روز پیش ساعت صبح خسته و گرسنه از سرکار برگشتم. همینکه رسیدم اینجا، گفتند بی برو آشغال‌های خیابان را جمع کن. هرچی اصرار کردم که من هنوز صبحانه نخورده‌ام، گوش نکردند و بالاخره تا ساعت ۱ بعد از ظهر گرسنه و تشنه بیگاری کردم."

عباس درباره انقلاب می‌گوید: "از انقلاب گلاب‌های ندارم و از دولت هم فقط ۲ چیز میخواهم: یکی اینکه جیب گرانی را بگیرد و دیگری اینکه آفسرادی طاغوتی را از ادارات تصفیه کند. همین افراد هستند که ما را به بیگاری می‌برند. عباس همچنین برای پیروزی بر ضد انقلاب پیشنهاد میکند که: "همه گروه‌ها در برابر آن (فدائیانقلاب) متحد شوند. پای صحبت یکی دیگر از کارگران به نام عبدالله می‌نشینیم. وی ۴۴ سال دارد و چهره سوخته و استخوانی‌اش حکایت از سالها مشقت و درگیری می‌کند. عبدالله هم اهل سقز است و می‌گوید: "من ۸ تا بچه داشتم که عتای آنها بر اثر بیماری مرده‌اند. زن و بچه‌ها هم در سقز اجازه نشینی نمی‌کنند و خودم هم از زندان

برادریم: ترک کرده، بلوچ، فارسی، چه فرقی با هم داریم؟ ما همه ایرانی هستیم. مهدی حسن می‌گوید: "۲۶ سال دارم، ولی قامت خمیده و چهره پرچینش با ورا عماله نشان میدهد. او ادامه میدهد: "من اهل کامیاران هستم. آنجا بر اثر جنگ هیچ چیز پیدا نمیشود. نه روغن، نه جای، نه برنج... هیچ چیز. همه کارها هم خوابیده است. در نتیجه من هم مجبور شدم که سه ماه پیش برای پیدا کردن یک لقمه نان، زوبنده‌ها را ترک کنم و الان هم اینجا هستم و در شهرداری کار میکنم. وی درباره شرایط کار و محل سکونت می‌گوید:

"ما اینجا، توی این خرابه مثل حیوانات زندگی میکنیم. من را که قدری تازه کار هستم هر روز به بیگاری می‌برند. اعتراض هم که میکنم، داد می‌زنند و می‌گویند: "همین است که هست، اگر نمی‌خواهی برگرد به شهر خودت". آخر مگر ما مسلمان نیستیم؟ مگر ما همه بیکان بوجود نیامده‌ایم؟ چرا اینقدر به ما ظلم میکنند؟ و در حالیکه چنان پراشکش را پاک میکنند، اضافه میکنند: "ببخدا مرگ بهتر از این زندگی است" می‌پرسم: از دولت چه انتظاری؟ جواب میدهد: "من از دولت فقط یک کار در شهر خودمان میخواهم. دولت با بستی یکی از اولین وظایفش رسیدگی به وضع این فراموش شده‌ها باشد. امید است که در آینده نزدیک این گونه مناظر، که میراث طاغوتیان است، دیده نشود.



کارگران می‌گفتند با شروع اولین بارانهای زمستان، آلونکها ویران می‌شوند

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترک است

نیستند، از امتیازات قانون کار و بیمه‌های اجتماعی محرومند و حداقل دستمزد محسوب وزارت کار در مورد آن اجرا نمیشود. کارگران این صنفا اغلب دارای دستمزد های بسیار پایین تر از حداقل دستمزد محسوب وزارت کار هستند. مثلا منصور، کارگر کارگاه استیل کار ۲۸۰۰ ماهی ۵ سال سابقه کار، ۲۷۰۰ تومان دستمزد می‌گیرد، و با همان نظریه قبلا نیز گفته شد، کارگر کارگاه طالمی روزی ۱۰ تومان دستمزد دریافت میدارد. ما توجه مسئولان جمهوری اسلامی را به مشکلات و مسائل این صنفا جلب می‌کنیم. زحمتکاران این صنفا بحق انتظار دارند که دولت انقلاب موضع آنان را رسیدگی کند، و فعل مشکلات و مسائل زحمتکاران از نیازهای مبرم انقلاب شکوهند خلقهای ایران است.

چه کسانی از تشکیل شرکتهای تعاونی میهراسند؟

کیلودریا زار آزاده ۴۰ تومان میپردازیم. محمد آنگاه به کارشکنیها و سنگ اندازی های سرما به داران اشاره میکند و می‌افزاید: "بویوک آقا یکی از سرما به داران وارد کننده عمده آهن کارگاه های آهنگری را تهدید کرده است، که اگر عضو شرکت تعاونی بشوند، به آنها دیگر آن نخواهد فروخت، وی همچنین گفته است که ما نخواهیم گناشت شرکت تعاونی تشکیل شود، و اگر تشکیل شود، کار می‌خواهیم کرد که شرکت ورشکست شود. در رابطه با این مسئله بویوک آقا گفته است که ما آهن را از بازار آزادتر از شرکت خواهیم فروخت، تا زمانی که شرکت ورشکست شود و وقتی که شرکت تعاونی ورشکست شد، ما ۵ ریال روی قیمت آهن می‌کنیم، تا جبران آریا لیدر که ارزان فروخته بودیم نیز بکنیم. محمد در پایان، بار دیگر روی این مسئله تاکید کرد که دولت با بدبختی سرمایه داران و واسطه‌های بزرگ را قطع کند و شرکت تعاونی را تقویت و از آن پشتیبانی کند.

به کارگاه استیل کار، واقع در بلوار ستارخان، می‌رویم. استاد قلی، مسئول این کارگاه، نیز به کمبود مواد اولیه بخصوص آهن اشاره کرد و اضافه نمود که کارخانه‌های پروفیل سازی نیا بد پروفیل را به سرمایه داران و واسطه‌های آهن بفروشد، بلکه بجای آن آهن را در اختیار شرکت تعاونی قرار دهند، تا وضع این صنفا رو به راه شود. استاد قلی گفت:

"سرمایه داران و واسطه‌های آهن به کسانی که عضو شرکت تعاونی شده‌اند، آهن نمی‌فروشد. برای مقابله با این سرمایه داران و واسطه‌ها باید شرکت تعاونی تقویت شود."

همانطور که در بالا نیز اشاره شد، کارگران این صنفا از هیچگونه حمایت و پشتیبانی موسسات و نهادهای کارگری و دولتی برخوردار

های ما را بر آورده کند، ما میتوانیم آهن معرفی خود را کیلویی ۵۶ ریال تهیه کنیم. حسین در جواب سؤال گزارشگر در مورد انتظارات آنان از دولت انقلاب چنین گفت:

"ما از دولت میخواهیم که به شرکت تعاونی کمک کند، تا شرکت بتواند در روی پای خود بایستد و ما بتوانیم دست واسطه‌ها و واردکنندگان عمده آهن را کوتاه کنیم. کارگران این کارگاه با ۷ الی ۸ سال سابقه کار، ۲۰۰۰ تومان دستمزد می‌گیرند و حتی در بعضی از کارگاه‌های دیگر، مانند کارگاه طالمی، واقع در خیابان کمر بندی، یکی از کارگران روزی ۱۰ تومان مزد می‌گیرد. به کارگاه مدقیان، واقع در خیابان کمر بندی، می‌رویم. با محمد، مسئول کارگاه، در مورد کمبودها و مشکلات صحبت میکنیم. وی اظهار میدارد:

"دو سال ونیم است که آهنگری میکنم. با ما صاحب کارگاه، که همه مواد اولیه را در اختیار می‌گذارد، شریک هستم. خود صاحب کارگاه کار نمی‌کند. روزی ۳۰۰ تومان در آمد کارگاه است. مشکل بزرگ ما کمبود مواد اولیه است و مخصوصا کمبود آهن. سهمیه‌ای که شرکت تعاونی به ما میدهد، روزی ۲۰۰ کیلو است."

محمد اضافه کرد:

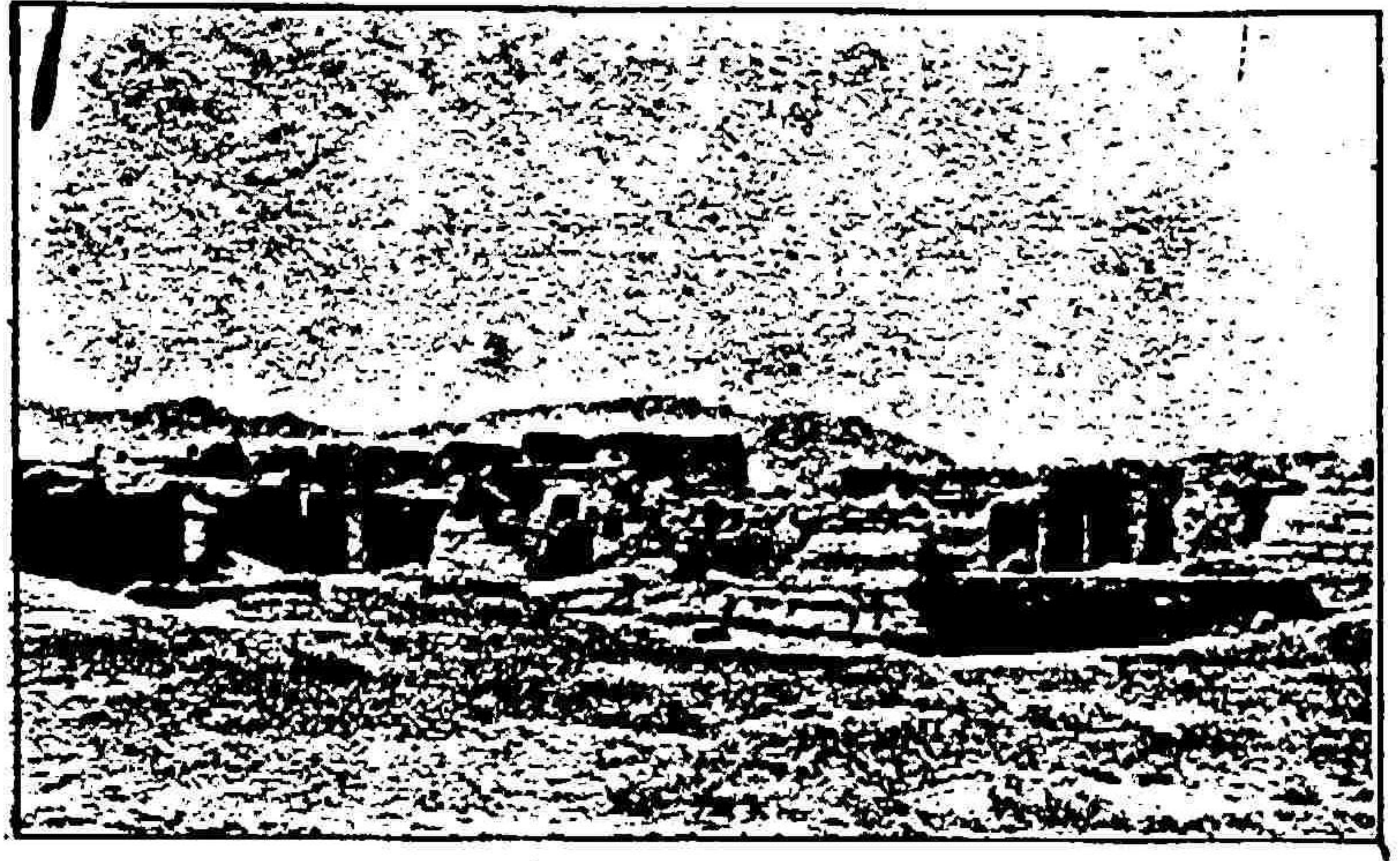
"شرکت تعاونی که بوجود آمده، قوی نیست. مسئولان نیز با شرکت همکاری نمی‌کنند. مثلا کارخانه پروفیل سازی تهران، در حالیکه بخوبی واسطه‌ها را تخفیف میکند، به ما نسی پروفیل در اختیار شرکت تعاونی نمی‌گذارد. ما آهنگران از دولت میخواهیم که شرکت تعاونی را تقویت کند تا بخش آهن را منحصرا شرکت در دست داشته باشد، زیرا حتی در توزیع آهن نیز صرفه با شرکت تعاونی است. ما برای حمل ۲۰۰ کیلو آهن به شرکت تعاونی ۲۵ تومان می‌پردازیم، در حالیکه برای ۱۰۰

۲۰۰۰ کارگاه آهنگری (در پنج روزه) عضو شرکت تعاونی فلزکاران هم اکنون در نقاط مختلف شهر تبریز مشغول کارند. شرکت تعاونی فلزکاران، که با همکاری آن در حدود ۲۵ نفر پیش تشکیل شده است، امروز در کردن آن توزیع آن را بعهده دارد. تعداد آهن کارگران این کارگاهها، با توجه به بزرگی و کوچکی کارگاه، از یک تا پنج الی شش نفر می‌باشد. ساعت کار در این کارگاهها نامنظم و نامحدود و میزان دستمزد آنان نامعلوم و در اکثر موارد پایین تر از حداقل دستمزد محسوب وزارت کار و بیمه‌های اجتماعی است. بطور کلی امکانات بهداشتی این کارگاهها در سطح بسیار پایینی است و با توجه به خطرات زیاد این حرفه، کارگر آهنگر با عدم اطمینان به آینده می‌گردد. به تعدادی از این کارگاهها سر می‌زنیم و به درد دل آهنگران گوش میدهم.

کارگاه قتی شهریار، با دو کارگر در خیابان حنیف نژاد واقع است. با حسین، مسئول کارگاه، به صحبت می‌نشینیم. وی می‌گوید که عضو شرکت تعاونی است و ۱۰۰۰ تومان حق عضویت پرداخته است، ولی شرکت تعاونی به علت کارشکنیهای واسطه‌ها و سرما به داران آهن فروش نمیتواند احتیاجات و نیازهای آهنگران را برآورده کند. مثلا آهنگران عضو شرکت تعاونی ۳۰۰ کیلو آهن سهمیه خود را به علت کمبود آهن و از دیدن اتفاقا دیر به دیر دریافت میکنند. مسئول کارگاه شهریار سپس اضافه میکند:

"اگر بخواهیم از بازار آزاد آهن تهیه کنیم، باید از استان آباد در ۵۰ کیلومتری تبریز تحویل بگیریم، که قیمت آن تقریباً ۳ تومان فرق میکند، و اگر پول گران بهار ما بر آن اضافه کنیم، تقریباً کیلویی ۱۰۰ تومان برای ما تمام میشود، که اگر شرکت بتواند نیاز

احمدآباد سغلی را ستم بزرگ مالکی و اصلاحات ارضی شاهانه به ویرانه تبدیل کرده است



دیدار از امامزاده ابراهیم

به امامزاده ابراهیم میرویم. این امامزاده یکی از مناطق زیارتی کیلان است که در منطقه ای بیلاقی، در کوهستانهای طالش، حدود ۷۵ کیلومتری شمال غرب رشت واقع است.

تا بیست سال پیش زحمتکاران شهرهای کیلان با خانواده هایشان، برای زیارت و جهت استفاده از آب و هوای آن، به مقیاس وسیعی به آنجا میروند. در آن زمان امامزاده ابراهیم حدود ۱۰۰ خانوار (۵۰۰ نفر) زندگی می کردند.

این امامزاده سالانه حدود ۸۰۰ - ۹۰۰ هزار تومان از زیارت نذورات بقعه درآمد دارد، که متعلق به اوقاف است.

وضع جاه و وسایل رخاوت و عملا غیرقابل عبور است. یکی از اهالی بنام سید موسی، ضمن صحبت در باره این کیمبوده، آه عمیقی کشید و گفت:

نگهداری به روستا

نداریم، کشت و کار نداریم. امسال تا سال دیگر همین خانه و چند مسافر که می آیند، کرا به اتاق میدهند، در آمد ما است. پاریال قولهای بی بماندند، ولی فایده نکرد.

کجا پیش گران است؟ مگر وضع راه را نمی بینید؟ همین ۷۵ کیلومتر راه که شما میگویید گران است، در واقع طول میکشد تا طی شود. معمولاً هم با یکسرخالی میرویم. تازه با این گران و کمبود وسایل بدکی حسابش را بکنید: لاستیک جفت هفتصد تومان، حلاله ۱۵۰۰ تومان است.

هیچ فایده ای نداشت. همه اش فکر خودشان بودند. ولی کردیم، باید استدیگایی که حافظ منافع ما باشد، درست کنیم. میبوسیم: زدن و زدن چه انتظار دارد؟ زاده دیگر اقا، جاده. این جاده درست شود، هم مسافر زیاد میشود، هم ما سرپرست میرویم و برمیگردیم.

زمین داران بزرگ برای حفظ موقعیت خود دست به انواع حیل می زنند

منطقه نقده نه فقط از نظر بزرگ مالکی، بلکه از نظر فعالیت های ضد انقلاب دارای اهمیت و حساسیت بسیار است. در روستاهای گوران آباد قاضی (فرود آباد)، گوران آباد قزاق، چپانه، حیدرآباد و موی آباد زمینهای زیادی، که متعلق به فئودالها بود بعد از انقلاب توسط روستائیان، با کمک همه جانبه جهاد سازندگی نقده، به تصرف دهقانان زحمتکش درآمد و به زیر کشت رفت. این امر با پیروی از فرمان امام خمینی، مبنی بر کشت بیشتر، مورک گرفت و با روح انقلاب مستقیم علیه مستکبرین هماهنگ بود. اما فئودالهای غاصب، به وسیله افراد اویاتر صلح خود، دست به دستمهای گوناگونی زدند.

- از کلیه رفقا و دوستان گزارش روستاها درخواست می کنیم:
* هنگام ارسال گزارشهای مصور دهقانی، حتما نام روستا، بخش، شهرستان و نام استان در پشت عکسها قید شود.
* ضمناً در هنگام ارسال عکس، حتما فیلمها را هم ضمیمه گزارش ارسال دارید.
* نام روستا و نام اشخاص را خوانا و با حروف جدا از هم (تی-آباد - تی-ق-آ-ب) بنویسید.
* سخنان دهقانان را مینا و همانطور که خودت آنها میگویند، نقل کنید.

وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی های بسازید

اصلاحات ارضی را در روستای دلبران اجرا و به خواسته های رفاه سی این روستائیان توجه جدی کنید

روستای دلبران با جمعیتی در حدود ۵۰۰۰ نفر در ۲۳ کیلومتری شهرستان قزوین در استان کردستان قرار دارد. وضع این روستای بزرگ از تمام جهات مشابه روستاهای دیگر ایران است.

درد دلبران برق ندارد و باتوجه به جمعیت زیادی که دارد، وضع آب آشامیدنی و بهداشت روستائیان بسیار بد است. ۳ سال پیش لوله کشی ناقصی شده که اکنون دیگر قابل استفاده نیست. آب معدنی اهالی به ترازقنای غیر بهداشتی تأمین میشود. در دلبران ۲ حمام غیر بهداشتی وجود دارد که خود موجب گسترش بیماریهای زیادی است. ۲ مسجد بسیار کهنه نیز در ده وجود دارد که باید تعمیر کلی شود. در این ده ۲ مدرسه ۳ کلاسه با ۳۰۰ نفر دانش آموز دوره ابتدایی وجود دارد که دانش آموزان در دستهای صبح و بعد از ظهر از آن استفاده نمی کنند. یک مدرسه راهنمایی توسط جهاد سازندگی ساخته شده، که هنوز مورد استفاده قرار نگرفته است.

درد دلبران زمینهای اربابی تاکنون تقسیم نگردیده و افراد بی زمین و کم زمین بسیاری در دلبران هستند، که برای رفع احتیاجات زندگی خود مجبورند چندین ماه از سال را برای کار به شهرهای بزرگ بروند. بیشتر افراد جوان ده برای کار به کوره یخخانه های اطراف اصفهان می روند. دهقانان بی زمین و کم زمین ده تاکنون چندین بار برای واگذاری زمینهای اربابی به فرمانداری مراجع شده اند.

درد روستای مش تکون

در این روستا که در منطقه بیضا- (یکی از حاشیه غربی ترین مناطق کشاورزی استان فارس) قرار دارد، ۳۵ خانوار زندگی میکنند، که از این تعداد ۸ خانوار خوش نشین هستند. وضع خانه های مسکونی روستائیان بسیار اسفناکنگیز است، ولی در کنار این کجوش نشینان، بویلی مالک بزرگ توجه هر بیننده را جلب می کند. معمول عمده این روستا انگور است. همچنین روستائیان برای برطرف کردن نیازهای خود گندم نیز میکارند.

بهترین زمینهای ده در اختیار یک مالک بزرگ قرار دارد. این مالک ۱۰۵ هکتار زمین و یک باغ بزرگ دارد. وی این زمینها را پنج سال قبل از مالک دیگری خریداری کرده است. کدخدای این روستا بمنابر نامه ای مجری مالک عمل میکند. روستائیان کم زمین و بی زمین در صد هستند مالک را از روستا بیرون و خود زمینها را کشت میکنند، ولی تاکنون در این زمینه موفقیتی بدست نیاورده اند.

امادهقانان در جریان مبارزه به این امر پی برده اند که اتحاد و شکل آنها حاصل پیروزی آنان بر زمیندار بزرگ است. برای تشکیل شورا، دهقانان تلاش های زیادی کرده اند، ولی بیعت سنگین اندازیهای کدخدا موفق نشده اند. وستل شیان چندینی قبل در دهستان ده جمع شدند، تا نمایندگان شورای ده را انتخاب کنند، ولی این بار نیز کدخدا با کمک ایادی خود جلوه را متشنج کرد، که در نتیجه بین روستائیان درگیری روی داد و منجر به زخمی شدن تعدادی از اهالی شد. دهقانان بی زمین و کم زمین برای اینکه درگیری و تشنج مورد سوء استفاده ضد انقلاب قرار نگیرد، از تشکیل شورا خودداری کردند و منتظر هستند تا از طریق قانون مسئله را پیگیری کنند، یکی از روستائیان در این مورد میگوید: "در ده دوتیرگی (اختلاف) وجود دارد و امکان زد و خورد می رود. ما برای

روستائیان واسط و ده ایرج؛ مابزه زمین، آب، شورا، درمانگاه و آب آشامیدنی نیاز مندیم

واسط و ده ایرج، دوروستای بهم پیوسته، در ۱۵ کیلومتری غرب زرنجان واقع اند. در این دو روستا بر روی هم حدود ۱۲۰ خانوار زندگی میکنند. تعدادی از این خانوارها خوش نشین و کارگر کوره یز و بقیه خرده مالک اند. معمول عمده این دهات پسته است. باغات پسته اکثر متعلق به مالکان بزرگ است. کشاورزی در این روستاها با ابتدا شکرین وسایل انجام میشود و آب برای کشاورزی آنان از چند جا، عمیق تا مین میگردد. بگفته اهالی، فقط یکی از این جاها متعلق به روستائیان است. نبودن آب و مانع شدن مالکان از حفرا و به استفاده از آب آن، سبب شده است که کشاورزان بعضی کشاورزی برای امر رمعاش، به ذوب آهن زرنجان بروند و بصورت کارگر در آنجا مشغول بکار شوند. روستائیان باقیمانده در دهات نیز با در کوره ها کار می کنند و بیایکه مزد بکیر مالک هستند و برای او زحمت می کنند. شورا ها در این روستاها تشکیل نشده و زمینها همچنان در دست بزرگ مالک است.

پس از انقلاب، توسط جهاد سازندگی در حدود ۱۰۰۰ متر زمین جهت مکن بعضی از روستائیان داده شده است. اهالی این روستا از آب آشامیدنی محروم هستند و آب شیرین توسط جهاد سازندگی بوسیله تا تکریه آنان میرسد. در این روستا درمانگاه وجود ندارد، از بهداشت هم خبری نیست. روستائیان برای معالجه بیماریها را خود مجبورند به شهرزرنج بروند.

مدرسه روستاهای واسط و ده ایرج فقط تا کلاس پنجم ابتدایی دارند و دانش آموزان باید برای ادامه تحصیل به شهر زرنج بروند. این دو نمونه با زهم از دهها نمونه ازدهات باقیمانده از دوران تصدین بزرگ است. اهالی این دو روستا در انتظار اقدامات قاطع دولت انقلاب به نفع آنها و کلیه روستائیان در مسئله واگذاری اراضی، حل مسئله زمین با انتخاب احسن به شکل متاع و همچنین تامین وسائل معیشتی زندگی و در درجه اول آب آشامیدنی هستند.

روستای مش تکون

اینکه درگیری رخ ندهد، فعلا سکوت کرده ایم، تا دولت از طریق قانونی اطلاعات ارضی و هیئت ۷ نفری زمینها را با عدل و عدالت بین روستائیان تقسیم کند. این روستا فاقد درمانگاه است و اگر کسی از روستائیان بیمار شود، باید به روستای بیضا (مرکز بخش) مراجعه کند. قبل از انقلاب، روستائیان از نظر آب آشامیدنی در مضیقه بودند، ولی پس از پیروزی انقلاب، جهاد سازندگی استان یکی از جاهای مالک را برای تأمین آب آشامیدنی روستا معادله و آب آشامیدنی لوله کشی کرده به منازل روستائیان کرد. روستای مش تکون فاقد برق است و در این زمینه تاکنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است.

یک دهستان در این روستا وجود دارد، که تا کلاس چهارم ابتدایی در آن تدریس میشود. ولی اگر دانش آموزی خواستار ادامه تحصیل باشد، باید به روستای جعفر آباد برود. با توجه به اینکه منطقه بیضا از نظر اقتصادی اهمیت ویژه ای دارد، با بستن ارجاعه ارتباطی مناسب بر خوردار باشد، ولی جاده های روستایی این منطقه وضع ناگواری دارند. مسئولین استان فارس باید به مشکلات عمده دهقانان منطقه برسرکوت و از جمله روستای مش تکون رسیدگی کنند و برای افزایش تولید کشاورزی امکانات لازم را در اختیار دهقانان کم زمین و بی زمین قرار دهند. دهقانان میتوانند برای دستیابی به زمینهای مالک، کمیته های خوبت را بوجود آورند و از آن طریق زودتر دست بکار شوند. دهقانان از نهاد های انقلابی انتظار دارند که هر چه زودتر به آنها کمک کنند تا شورای ده را تشکیل دهند. هیئت ۷ نفری نیز باید عاجلاً شروع بکار کنند و تکلیف مسئله زمین را روشن کنند، تا حق به حق دار و زمین به دهقان برسد.

ضرورت پیروی از اصولیت انقلابی در برخورد به مسائل

بقیة از صفحه ۳

روبرو هست، آنچه که مایه بینیم، مسئله اساسی - اختلاف نمی-
تواند باشد، و به همین جهت اگر مسائلی که مطرح می کنند، این
مسائل باشد، ما مثل امام خمینی، فقط دعوت می کنیم که آقا،
تفاهم کنید و اگر مسائل دیگری هست که مطرح نمی شود، آنها را
مطرح نکنید تا مردم قضاوت کنند. به نظر ما روی این مسائل که
مطرح می شود، طرفین باید به تفاهم برسند و یک راه حل قطعی
پیدا کنند. و زمان باید نشان دهد که آقا واقعا فقط همین مسائل
است که مورد اختلاف عنوان می شود یا اینکه مسائل عمیق تری -
هست که مطرح نمی شود؟ پس به این ترتیب همانطوری که تا بحال
در مطبوعات ما گفته شده است، ما عقیده داریم که الان در مقابل
حاکمیت ایران و تمام جنبش انقلابی ایران مسائل عمده ای در زمینه
لزوم بسیج همه نیروها علیه خطر سرریزی که انقلاب ایران را تهدید
می کند، وجود دارد. که این خطر از یک سو تجاوز و تهاجم -
امپریالیسم و ضد انقلاب است و از سوی دیگر ضعف ها و کمبودهایی
است که در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد که نمی گذارد مسائل
مهم حل شوند و بالتسویه همه نیروها برای مبارزه علیه ضد انقلاب
چنانکه باید و شاید بسیج گردند. این مسائل آنقدر عمده هستند
که در مقابل آنها مسائلی که الان مطرحند و بطور علنی به عنوان
اختلاف بین دو طرف نامیده می شوند، چنان اهمیتی را ندارند که
بر سر آنها نتوان به یک تفاهم کلی رسید. بدین جهت مادر عین
حال که در آنچه به عنوان اختلاف مطرح می شود، در بعضی موارد
حق را در این طرف و در موارد دیگر حق را در آن طرف می بینیم
هنوز نمی توانیم بطور اساسی سمت گیری و جهت گیری بکنیم یعنی
بگویم ما این جهت مشخص را تقویت می کنیم. اینجا هم باز یک
بار دیگر موضع گیری ما با موضع گیری امام خمینی تطبیق می کند. از
این جهت ما گوشتن خواهیم کرد که تا شیر حزب ما در جهت رفق -
اختلافات فرعی باشد. من روی عبارت اختلافات فرعی تکیه می کنم.
زیرا اختلافات اگر اصولی باشد، ما حتما در یک جهت قرار داریم و
نمی توانیم در دو جهت قرار داشته باشیم. آنجا دیگر در دو طرف
نمی توانیم باشیم، ولی در مورد اختلافات فرعی و غیر مهم و در
مورد ذهنیاتی که در این اختلافات تاثیر می کند، در جهت رفق
آنها خواهیم کوشید، نه در جهت تشدید، نیروهای هستند که
تمام تلاش خودشان را می گذارند به این که در جهت تشدید این
عوامل عمل کنند. ما الان به خوبی می بینیم که تبلیغات رادیوهای
امپریالیستی، ارتجاعی با تمام قوا می کوشند این تضاد ظاهر را
بنی صدر - رجایی، بنی صدر - حزب جمهوری اسلامی، بنی صدر -
مجلس، را با تمام قوا تشدید کنند. اگر سخن پراکنی های رادیوی
صدای آمریکا، رادیوی به اصطلاح "ایران آزاد" رادیوهای کلن، بی بی سی
و غیره که در روزنامه ها منعکس می شود توجه کنید، همه در جهت -
تشدید این تضاد هست و روی عوامل مختلف ذهنی تکیه می کنند،
تحریک می کنند و می کوشند این تضاد را تشدید کنند. ما در این
جهت عمل نمی کنیم، ما در جهت تخفیف جنبه های فرعی این
اختلافات هستیم و در موارد اصولی البته همیشه از آن سمت که -
اصولیت تر هست، درست تر هست پشتیبانی خواهیم کرد. این هم
نظرا ما در باره این اختلافات.

ج - در کتاب "تجربه ۲۸ مرداد" در رابطه با دعوت
حزب توده ایران در تشکیل جبهه متحد خلق، حتی از افرادی،
مانند باقانی نیز قبل از تشکیل حزب زحمتکشان دعوت شده که در
تشکیل جبهه متحد خلق شرکت کنند؟ با شناختی که حالا از این
شخص و امثالهم دارید، دلیل آن چه بوده است؟

ج - خوب، درست می بزرگی که این سؤال را مطرح می کنی، تو
خودت می گوئی با شناختی که حالا از این شخص و امثالهم دارید،
دلیل آن چه بوده است؟ یعنی اینکه در آن تاریخ که ما از امثال -
باقانی دعوت کردیم برای یک جبهه متحد ضد امپریالیستی، ضد
ارتجاعی - برای جبهه متحد خلق یا غیره، شناختی که از باقانی
یا عمل سیاسی او داشتیم، شناختی نکرده است که ما بعدها هنگامی
که مناسبات او را با امپریالیسم و عمل او را در نفاق افکنی در جبهه
متحد خلق دیدیم، پیدا کردیم. شناختی که در آن تاریخ ما از او
داشتیم، شناختی بوده که او را هم جزو نیروهای ضد امپریالیستی
و مترقی به حساب می گذاشتیم. برای تشکیل جبهه از او هم دعوت
می کردیم. ما در دوران بعدی مبارزات علیه استبداد نیز چنین -
کاری را کردیم. ما از همه نیروهای ضد استبدادی در ایران برای
تشکیل جبهه عمومی ضد استبدادی رجبیه ضد دیکتاتوری در ایران
دعوت کردیم. خوب، ما از عناصر دیگری هم که بعدا از جبهه -
متحد خلق جدا شدند و به طرف لیبرال ها، به طرف سازش با
امپریالیسم رفتند و با آقای برزینسکی ملاقات کردند در آن تاریخ
که مبارزه علیه استبداد شاه، علیه ساواک بود، برای همکاری -
دعوت می کردیم. و این نادرست نبود. همکاری بین اتحاد شوروی
و امپریالیسم انگلستان بر مبنای جرجیل و امپریالیسم آمریکا به
رهبری روزولت علیه فاشیسم در دوران جنگ جهانی -
دوم را نشانه یاد بیاورید: این نادرست نبود که چنین همکاری
انجام گرفت. با علم به اینکه بلافاصله بعد از پایان جنگ، رهبر
دشمنان جبهه سوسیالیسم، همان جرجیل و همان امپریالیسم آمریکا
و کسی مثل "ترومن" خواهد بود که جای روزولت را خواهد گرفت.
یعنی ما در باره هر عمل سیاسی فقط در چهارچوب زمانی و مکانی
خود ما عمل باید قضاوت کنیم. در باره یک عمل سیاسی نمی توان
در خارج از چهارچوب زمانی و مکانی آن عمل قضاوت کرد. ما -
نمی توانیم یک عمل سیاسی را با شناختی که ده سال بعد پیدا
خواهد شد، با تطویری که ده سال بعد در نیروها پیدا خواهد شد
قضاوت کنیم. اگر چنین کنیم آن وقت نمی توانیم در باره همکاری
سیاسی جبهه سوسیالیسم در یک دوره ای با امثال نمیری ها در
سوئدان، با امثال زیادبهارهادر سوئالی در یک صحنه داشته
باشیم. برای اینکه ما می دانیم که نیروهای بیناسی، منززل -
هستند، جایمان عوض می شود. سازمانی که آنها در جهت همکاری
با نیروهای انقلابی عمل می کنند، نیروهای انقلابی موظف هستند
که به همکاری آنها ارج بگذارند، نشوربختان کنند. به تقویت آنها
مادفانه کمک کنند. ولی وقتی پس از انقلاب تطوراتی وجود می -
آید و نیروهای کنار می روند، آن وقت می گویم آقا شناختی کردی.
آیا ما دعوت لسانی از "اس. آرها" (سوسال رولو سبو ترها -

"سوسیالست های انقلابی") را به این که در اولین کابینه اش
ترکت کنند، باید اشتباه تلقی کنیم؟ نه این اشتباه نبود. در
آن لحظه، همکاری با "اس. آرها" ها، برای خستی کردن ضد انقلاب
به انقلاب کمک می کرد. شش ماه بعد، آنها سیاستی اتخاذ کردند
که همکاری با آنها را نمی کرد. می بایست آنها را دور کرد، از
بین برد و حتی سرکوبشان کرد. به این جهت وقتی این نوع -
سئوالات برای رفق، برای دوستان ما مطرح می شود، باید کمی
عمیق تر به آن برخورد کنند. اگر ما در لحظه ای که قضای را شناختیم
بازهم از او برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا دعوت می کردیم.
این می شد ناسنجیدگی و اشتباه یا فرصت طلایی.

ج - در کتاب "تجربه ۲۸ مرداد" از شخصی به نام -
"تربان" نام برده شده است. این شخص کیست؟

ج - آنجا توضیح داده شده است که، در گروه هواداران مصدق
شخصیت های گوناگونی بودند. مختلف بودند. یکی از بزرگترین
قاطع ترین و مثبت ترین این شخصیت ها همان آقای تربان بود که
فوت کرده است. او شخصیت بسیار برجسته ای از باران مصدق بود
و از هواداران همکاری مصدق با حزب توده ایران بود. یکی از
شخصیت های سیاسی - ملی و وطن پرست بسیار با ارزشی بود و به
همین جهت ما از تربان فوق العاده با ارج یاد می کنیم.

ج - اگر در لهستان دولت سوسیالیستی و حکومت زحمتکشان
برقرار است، چگونه کارگران در آنجا دست به اعتصاب گسترده ای
زده اند؟

ج - نه فقط مطبوعات ارتجاعی و تمام دستگاه تبلیغاتی -
امپریالیستی جهان، بلکه بخشی از مطبوعات ضد امپریالیستی
ایران هم، به ویژه آنها که با سوسیالیسم زیاد صانع خوبی ندارند
و خیلی دوست دارند، به سوسیالیسم، با آنکه واقعا بزرگترین -
پشتیبان انقلاب ایران است، ضربات وارد آید. در باره این
اعتصاب کارگران لهستان، خیلی جنجال کردند. خوب، این -
دفعه اول نیست که ما با این مسائل روبرو می شویم. از لحظه انقلاب
اکثر تا کنون اینگونه نیروها، که بطور کلی مخالف کونینسم هستند
(با هر موضع گیری، حالا مذهبی، یا غیرمذهبی، وابسته به افکار
بیناسی یا خردموروزی)، اینها از هر ناکامی که سوسیالیسم در
دوران طولانی مبارزه اش با آن روبرو کرده، همیشه خیلی خوشحال
شده اند. ولی وقتی مابار تاریخ رجوع می کنیم، می بینیم که خوشحالی
اینها خیلی دراز مدت نیست. دشواری های سوسیالیسم نمی تواند
ریشه دار باشد و به همین جهت گرفتاری های خودش را، در هر -
مرحله ای حل کرده، راه حل برایش پیدا کرده و حل این گرفتاریها
تبدیل شده است به تخته پرشی برای موفقیت بزرگ تر. واقعتا
تاریخ ۶۳ ساله نشان می دهد، که سوسیالیسم با هزاران گرفتاری
روبرو بوده است. این گرفتاریها فقط ناشی از تلاشهای خرابکارانه
دشمن ناشی از مقاومت عناصر ضد انقلابی با عناصر غیر سوسیالیستی
در داخل جامعه سوسیالیستی نبود، بلکه میزان قابل توجهی از
آن هم، ناشی از اشتباهات برخی از رهبران بوده است. لنین
در باره اشتباهات، عبارت معروفی دارد که من الان عین آن را
نمی توانم برایتان نقل کنم. عین آنرا ضمن مقاله ای که در باره -
بحث با جرجیک، در مورد اشتباهات حزب ما، نوشته ام، نقل
کرده ام و رفق می توانند به آن مراجعه کنند. محتوای کلی آن اینست
که لنین می گوید اگر کسانی تصور کنند که سوسیالیسم را می شود
ساخت، بدون اینکه بارها آنچه را که ساخته ام خراب بکنیم و
دوباره به ساختن بپردازیم، - آنها از کونینسم هیچ نفهمیده اند
برای چه؟ برای اینکه سوسیالیسم بعد از چندین هزارسال جا همه
طبقاتی، دارد یک چیز نومی سازد. در ساختن این "توده" هیچ
چیز گذشته نمی تواند تکیه بکند. سرمایه داری برای ساختن -
جامعه "توده" از بسیاری جهات به همان شیوه های جامعه کنه عمل
می کرد: کارگزاران، پدرشان را در آور، غارتشان کن، استعمارشان
کن. همانطوری که در گذشته، به نحو دیگری زحمتکشان را استعمار
می کردند، غارت می کردند. ولی سوسیالیسم باید به کلی به شکل
تازه ای عمل کند. ما می بینیم که الان سرمایه داری، فزاینده به
شیوه هایی با اعتصاب کارگران روبرو می شود، اگر بسینند خیلی شلوغ
می کنند، ارتش را می کشند پیش، سرکوبشان می کند. داغ نشان
می کند. ولی سوسیالیسم که با کارگران این کارها را نمی خواهد بکند،
می رود با آنها می نشیند، حرف می زند، ناراضی های شان را معلوم
می کند. در برنامه های تنظیم مناسبات اقتصادی، کاهی اوقات
بفرجی هایی پیدا می شود. ما خوب می دانیم که در سالهای اخیر
این بحران جهانی سرمایه داری، در مناسبات کشورهای سوسیالیستی
هم تا نیری گذاشته است. روی برنامه های کشورهای سوسیالیستی
هم اثر گذاشته، تا حدودی اثر منفی گذاشته، برای چه؟ برای -
اینکه این کشورها تا حدودی مجبور بودند با دشمنان آنها معاملات
و روابط اقتصادی داشته باشند. من فقط یک نمونه را ذکر می کنم.
کشورهای سوسیالیستی بطور کلی صادر کننده کالاها یا درامدات
هستند، یعنی ماشین آلات صادر می کنند، کارخانه صادر می کنند.
آنها که تیغ زینت و آدامس و شکلات و از این چیزها صادر می کنند.
در مقابل این ماشین ها و کارخانه ها و غیره مقدار زیادی مواد خام
لازم دارند، احتیاجات روزمره کوتاه مدت دارند. قهوه لازم -
دارند، جای لازم دارند، برنج لازم دارند. برای دام هایشان
ذرت لازم دارند. اینها مورد احتیاج روزمره است. این دو نوع
کالا تغییراتش در بازار جهانی یک جور نیست. یعنی چه؟ یعنی
قیمت کارخانه را امسال تعیین می کنند و به یک کشور می فروشند. ولی
تا آنجا بازاند و تحویل دهند، پنج سال طول می کشد، اما بازار
آن یکلی کالا، روزمره تغییر می کند. در طول این ۵ سال قیمت ذرت
و شکلات و قهوه و غیره بطور صعودی بالا می رود و به این ترتیب
عدم تعادل هایی در اقتصاد این کشورها به وجود می آید. برخورد
با این عدم تعادلها در کشورهای مختلف سوسیالیستی به شکل -
مختلف انجام می گیرد. در بعضی جاها می توانند، نهی گاو را
پیدا بکنند و در برخورد با این شکلات را ممل های فوری پیدا بکنند
ولی در بعضی جاها ما دیدیم که رهبری حزب، دولت، در هفتان
مرحله اول نتوانسته است این نی را پیدا بکند. در نتیجه منززلها
و ناراضی هایی در اقتصاد پیدا می شود. خوب در این جاها هم
ممکن است بحرانهای کوچک و محدودی پیدا شود. قدرت جامعه

سوسیالیستی در این است که می تواند برای این بحرانها راه حل پیدا کند.
این فقط مخصوص لهستان نیست، در خیلی از کشورهای سوسیالیستی
در دوره های مختلف، کم و بیش چنین پدیده هایی پیدا شده است.
ولی اصل اینست که این بحرانها رفع شده، حزب از این جریانها
نورسند بیرون آمده، وحدت نیروها عمیق تر شده، مشکلات رفع شده
و جنبشی به سوی پیشرفت انجام گرفته است. بحران چکسلواکی یکی
از نمونه های بزرگ آن است. در سالهای قبل از جریان چکسلواکی
اقتصاد چکسلواکی در نتیجه اشتباهاتی که واقعا رهبری در حل -
مسائل اقتصادی مرتکب شده بود، دچار یک رکود شده بود و نتوانست
راهی برای رفع آن پیدا کند. و در نتیجه آن بحران بزرگ رسید
اما بعد از آن بحران، چکسلواکی در سینه تمام کشورهای سوسیالیستی
نمونه پیشرفت اقتصادی شد. برای اینکه شکلات به جای حساس
رسید. آنرا دیدند که از گناهت راه علاج بیماری اید ا کردند.
بعد از آن دولت چکسلواکی با تمام مشکلاتی که امپریالیسم برای
آنها کرد، با تمام تبلیغات تحریبی که امپریالیسم انجام داد،
با آنچه کارکنی هایی که در تجارتش کردند، با تمام فعالیت -
دانشداری که ضد انقلاب در آنجا کرد، باز دیدیم که رشد سریع
اقتصاد چکسلواکی تبدیل شد به نمونه. مسئله لهستان هم یکی از
همین مواردست، یعنی در چند ماه اخیر، هرچند با رشد اقتصاد
سوسیالیستی لهستان دشواری هایی در اقتصاد آن پیدا شده، لهستان
برای از بین بردن دشواریهای صنعتی اش، راه گرفتن قرضه های -
بزرگی را از غرب در پیش گرفت. البته لهستان با این قرضه های
بزرگی که از کشورهای غربی گرفت، نتوانست صنایع خودش را، با
سرعت نسبتا زیادی پیشرفت دهد و الان با همه دشواری هایی که
دستگاه تبلیغات غرب سعی در بزرگ جلوه دادن آن دارد، لهستان
به یکی از بزرگترین کشورهای صنعتی دنیا (هفتمین یا هشتمین -
کشور صنعتی دنیا) تبدیل شده است! ولی در همین حال این امر
عدم تعادل هایی هم در مجموعه اقتصاد بوجود آورد. برای اینکه
این قرضه ها، برداشتن ارز سنگین می خواهد و این ارز سنگین فقط
با صادرات لهستان به کشورهای غرب ممکن هست. بحران عمومی
سرمایه داری و بحران نفت در دوه سال اخیر دشواری عمیقی در
این زمینه، به خصوص برای لهستان پدید آورده است. زیرا در
نتیجه بحران سرمایه داری که خیلی شدید گرفته، برای کالا های
لهستان دشواری ایجاد شد. لهستان نتوانست آن قرضه ای را که
گرفته بود، با صدور کالاهای خودش، به دنیای غرب بپردازد و راه
حل مشکل را پیدا کند. یعنی یک راه حلی که اگر بحران خارجی
نیود، به رشد پیش از پیش اقتصاد صنعتی لهستان تبدیل می شد.
ولی در نتیجه این امر برعکس به یک مانع، به یک مشکل تبدیل
شد. این آن علت اساسی است.

خوب دولت گذشته هم نتوانست به موقع خودش این مشکل
را ببیند. و به همین علت هم از مسئولیت برکنار شد، نتوانست
به موقع تاثیر منفی این جریان را ببیند، و این تاثیر منفی باعث
شد که چنین "دملی" بروز کند. و این دمل را باز هم خود حزب
می آید و تشخیص می دهد، می فهمد که بنشانی آن چیست، را ممل
برایش پیدا می کند، و سلما حالا کشورهای سوسیالیستی دیگر -
کوشش خواهند کرد که کمک های لازم را بکنند تا این مشکل حل شود.
سایر کشورهای سوسیالیستی به علت برداشتن خودشان از این روابط
و مشکلات، با چنین شکلی روبرو نشدند. عامل دیگری هم که در
این امر تاثیر داشته، این است که امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم
آلمان غربی از خارج خیلی تلاش می کنند که در لهستان، برخی -
نیروهای ضد سوسیالیستی که به صورت یک جریان مذهبی قوی -
کاتولیک در آنجا وجود دارند، تقویت شوند. آنها با تمام قوا
خودشان این نیروها را تقویت می کنند. می دانند که کلیسای کاتولیک
در لهستان بیش از همه کشورهای دیگر سوسیالیستی در اروپای شرقی
قوت دارد. و این هم در لهستان یک جنبه تاریخی دارد. جنبه
تاریخی بلکی استثنائی، یعنی با تمام مسئله تاریخ لهستان در ۳۰
سال اخیر ارتباط دارد. مذهب کاتولیک در لهستان، در دوران
گذشته، مثل اغلب مذاهب دیگر که بجای خدمت به مستضعفان،
در خدمت زورمدان و توانگران بودند، دارای یک خاصیت ملی هم
بود: به علت مقاومت مردم لهستان در برابر رژیم ترارسم روسیه
که مذهب ارتدکس داشت و در برابر امپراتوری آلمان، در پروس، که
در آنجا بطور عمده مذهب پرتستان نفوذ زیاد داشت. بدینسان
"کاتولیسیم" یعنی کاتولیک بودن در مقابل این دو قدرت بزرگ
که همیشه می خواستند لهستان را تسخیر کنند، در لهستان دارای
یک ریشه تاریخی هست و ریشه قابل توجهی هم هست. بطوری که
امروز هم هنوز غالبا، به صورت ارتجاعی خودش علیه سوسیالیسم،
علیه دوستی لهستان و اتحاد شوروی عمل می کند. پس این عامل
راهم در مجموع تحولات لهستان پدید آورنده گرفت. این عامل در
جای دیگر، در کشورهای دیگر، به اشکال دیگری تاثیر داشته
است. در "هنری" هم که در مرقع خودش، باز مذهب کاتولیک
نفوذ زیاد داشت، "کاتولیسیم" دارای نقش ارتجاعی منفی بود
مستکبران بود که همان کار دینال "من ستی" بان ادعاهای مذهبی
هروش، سالها در سفارت کشور بیگانه آمریکا، بست نشست تا
بالاخره با پدر میانی پاپ و با خیلی تنبئات سیاسی دیگر فرستادندش
به خارج. رهبر کاتولیکهای لهستان، کار دینال و بیشنکی هم -
دارای نقش خیلی خیلی ارتجاعی و ضد سوسیالیستی است و در آنجا
این نقش را بازی می کند. آقای پاپ هم که همه جا متحول هست،
همان آقای پاپی که بهترین تعریف و شخصیات او را امام خمینی -
داده، که در هیچ جا به نفع مستضعفان کار نمی کند. او در لهستان
هم به نفع مستکبران جهانی، یعنی به ضرر سوسیالیسم مشغول -
صالحیت است. ولی با کمال تأسف ما می بینیم که برخی از مسلمان های
ما که از خط امام "دفاع می کنند" به اینجا که می روند دیگر همین
حرف امام گوش نمی کنند که فعالیت پاپ و آقای ویشنکی چگونه
در همان جهت حفظ صنایع امپریالیسم در جهان سری می کشند و نقش
آنها چقدر مخرب است. برعکس چون این آقا در لهستان علیه
سوسیالیسم عمل می کند، برایش هورا می کشند. تشویق می کنند
و توجه ندارند که این هورا و تشویق درست به ضرر انقلاب ایران
است، به نفع دشمنان انقلاب ایران است. و این نکته مهمی است
که ما در مسئله لهستان باید به آن توجه بکنیم.



موج تازه تبلیغات خبرگزاریهای امپریالیستی علیه افغانستان * پیروان خط برژینسکی میخواهند فیلمی درباره مبارزه مسلمانان «افغانستان» مونتاژ کنند و در تلویزیون نشان دهند.

پدر دیگر، همزمان با تکرار شدن حلقه محاصره ایران توسط امپریالیسم آمریکا و بویژه بعد از کودتای امریکاندر ترکیه، موج تبلیغات علیه افغانان گسترش فوق العاده یافته است. خبرگزاریهای امپریالیستی، بویژه خبرگزاریهای آمریکایی - بار دیگر دروغهای رسوای خود را شدت داده اند تا هم با طرح مسئله افغانستان، جو ضدکمونیستی را دامن بزنند و هم شاید بتوانند نظرها را از ترکیه برگردانند و بکافرانده زمرهای دستنشانده ترک یا خیال راحت ترکنزی کنند.

خبرگزاریهای امپریالیستی، در مدت کوتاهی که در برابر واقعیت افغانستان، از شدت دروغپردازی بناچار گسسته بودند، از آنجا که می بردانند افسانه های قبلی شان درباره افغانستان انقدر چرک و منتفل و رسوا شده است که دیگر خریدار ندارد، سناریوهای تازه ای نوشته اند و دیگر بار به میدان آمده اند.

چارچوب سناریوی جدید خبرگزاریهای امپریالیستی، همان وسیت معروف «کوبلنز» است که: «دروغ هرچه بزرگتر باشد بهتر است، چون افلاک یک جزء آن باور میشوند!»

و درست در چارچوب همین سیاست است که آسوتیترس این خبر را مطرح می کند که: در روزهای اخیر ۱۰۰ هزار نفر از سربازان شوروی در افغانستان بدمست مجاهدان کشته شده اند! و رادیوی ایران هم آنرا در روز یکشنبه ۲۳ شهریور پخش می کند!

و در ادامه همین سیاست است که افغانستان به سرزمین مجایب تبدیل شده است. در این سرزمین عجیب، وزیر متوکل زنده میشود و مراسم افتتاح بیمارستان شرکت می کند سربازان افغانی و شوروی، در حالیکه تا حالا چندبرابر بیشتر از تعدادشان کشته شده اند، پسا «مبارزان» می کنند، ۷ میلیون نفر در یک دره محاصره میشوند و دیگر خبری از آنها نمیرسد و بالاخره این آخری که:

«مبندگن چندین دهکده افغانی موجب افزایش جمعیت شهرهای افغانستان در حدود ۵۰ درصد یا ۱۰۰ میلیون نفر در هفته گذشته شده اند» (جمهوری اسلامی، ۲۳ شهریور، به نقل از خبرگزاری ضدامپریالیستی یوزایتیترس)

یک بار دیگر جمله بالا را که سبک همه اخبار امپریالیستی، هم

«هیجان انگیز» و «موتو» است و هم مبهم بنویسند. معلوم نیست ۵۰ درصدی که به جمعیت شهرهای افغانستان افزوده شده، ۱۰ میلیون نفر است، یا با افزایش ۵۰ درصد، جمعیت شهرها به ۱۰ میلیون نفر رسیده است! اگر حالت اول را بگیری، به این نتیجه میرسی که جمعیت شهرهای افغانستان ۳ میلیون نفر است که ۵۰ درصد آن میشود ۱۰ میلیون نفر، که در این صورت مد خروس خبر بسدجویی پیدا است، زیرا که بزرگترین شهر افغانستان، یعنی کابل، ۶۰۰ هزار نفر بیشتر جمعیت ندارد. اگر حالت دوم را بگیری، به این نتیجه می رسید که با فرار روستائیان چند دهکده جمعیت کابل از ۶۰۰ هزار نفر به ۱۰ میلیون نفر رسیده است، یعنی ۹۰۰ هزار نفر به کابل فرار کرده اند. همین جاست که در سرزمین مجایب، با عجایب ترین روستاهای دنیا دوبرو میشود که فقط در چندانی آن، ۹۰۰ هزار نفر زندگی میکنند! یکی دیگر از اصول سناریوی جدید، دخالت دادن کشورهای سوسیالیستی در افغانستان است و درست بهین خاطر است که: «مستشاران نظامی کوبا، ویتنام و چکسلواکی وارد افغانستان شدند» (آزادگن - ۲۶ شهریور به نقل از خبرگزاری آمریکائی آسوتیترس) و تنها مستشاران نیستند سربازان کشورهای سوسیالیستی هم هستند که، هنوز از گرد راه نرسیده، کشته میشوند: «۵۰۰ نفر از سربازان روسی و کوبائی بدمست مجاهدین افغانستان کشته شدند» (جمهوری اسلامی - ۲۵ شهریور ۵۹) به نقل از حزب پارتیزان افغانستان، که خبر دستبوسی سادات توسط ایشان در همین روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شده است!

ظاهرا خبرگزاریهای امپریالیستی قصد دارند، بعد از اینکه ۲۰۰ هزار نفر از ۹۰ هزار سرباز افغانی و ۳۰۰ هزار نفر از ۸۰ هزار سرباز شوروی را کشته اند! همه سربازان کشورهای سوسیالیستی را بکشند و بعد مردم کشورهای سوسیالیستی را از بین ببرند و کشورهای سوسیالیستی را از صفحه زمین محو کنند، البته فقط توسط «مبارزان» افغانی، که با سلاح های جنگ اول می جنگند!

البته عناصری از افسانه های قبلی هم در سناریوی جدید خبرگزاری های امپریالیستی علیه افغانستان حفظ شده است: «مبارزان»، ایاتلرها

که تا کون دها باز صرف کردماند و هیچکس هم آنها را از دستن خارج نکرده، باز صرف می کنند، چه و راست هوائیا سرنگون کردند و تانک منهدم می سازند!

بفرمائید داخل متن!

این اخبار نه تنها در ارگان لیرالها و پیروان خط برژینسکی، با تیرهای درشت چاپ میشود، بلکه مسافانه روزنامه های دیگر و رادیو تلویزیون هم این دروغها را منتشر می کنند.

در این میان برخی از «حاشیه نشینان هم از اینکه تودمها می بگویند این اخبار دروغ است، دلگیر میشوند و از ما میخواهند فرستنی را درباره افغانستان بگویم. باید به این حاشیه نشین و کسانی که مانده او - دانسته و ندانسته - اخبار دروغ خبرگزاریهای امپریالیستی را دامن میزنند، گفت: اگر از سر انصاف دقت کرده باشید ما راستن را گفته ایم. ولی اگر حرف ما را قبول ندارید، بفرمائید داخل متن، حاشیه نشینی بد است، تا که تا کون همه از یابرها و اظهارنظرهایتان را درباره افغانستان بر اساس اخبار خبرگزاریهای امپریالیستی گذاشته اید! میتوانید این حادله را حل کنید که: چرا اخبار خبرگزاریهای امپریالیستی درباره افغانستان صد درصد راست است - اینرا که قبول دارید - و درباره افغانستان صد درصد راست!

بعد هم کشتی و کلاه کنید، بروید یک بلیت آریانا بخرید. بعد از یک ساعت در کابل هستید. مسلما آنها امکان خواهید داشت که هم مقامات مسئول کشور را ببینید و هم با مردم حرف بزنید و هم از این کشور دیدن کنید. آنوقت هرچه دیدید و شنیدید، بنویسید. ما هم به شما نصیحت دوستانه می کنیم: بروید افغانستان، در حاشیه نشانی در حاشیه ماندن باعث میشود آدم بدنام خبرگزاریهای امپریالیستی بیاید. ما این نصیحت را به همه عشاق حقیقت امر و همه وسائل ارتباط جمعی می کنیم.

● ● ●

و اما آخرین خبری که بدمست ما رسیده اینست که، پیروان خط برژینسکی درصدد تهیه فیلمی از «مبارزه مسلمانان افغانستان» هستند تا آنرا در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران نشان دهند. این فیلم، که سبک خبرهای خبرگزاریهای امپریالیستی مونتاژ شده، بنا بر رهنمود برژینسکی، میخواهد تناسبات ایران و افغانستان را بازهم تیرتر کند، با بمقامات مسئول، بویژه گردانندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران هشدار میدهد که با احساس مسئولیت کامل در درک منابع انقلاب و مصالح جمهوری اسلامی ایران در این دامها نیفتند، که سرانجام آن، خواسته یا ناخواسته، بسود امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب برورده است.

پروتکل مذاکرات...

پس از صحنه ۱

امریکا و ایجاد رخنه برای برقراری تناسباتی یا امریکادست، که نتیجه نهائی آن تجدید سلطه امریکا بر ایران است.

مسئله بر سر اینست که خط ۳۳ بگوید که بعد از ۹ ماه انقلاب را تمیز کرد و کوشید انقلاب را به بیراهه خطرناک سازش با آمریکا بکشاند. هنوز هم نمیدانگن در دستکامهای مقننه و قضائیه و اجرائیه جمهوری اسلامی ایران دارد و ایند از فعالیت خود دست نکشیدمانند که سهل است، در این اواخر به جنبو جوش بیشتری افتاده اند، و بنابراین افشاه کامل خط ۳۳ بگوید، افشاه کامل موضعگیریهای بورژوازی لیرال ایران و خنتر کردن کامل مترسیاسی، اقتصادی و اجتمالی آن، برای حفظ و تسبیق انقلاب و تأسیس بورژوازی نیائی آن ضرورت حیاتی دارد.

خط ۳۳ بگوید، در واقع پلی است که از روی آن امپریالیسم، یسرکردگی امپریالیسم آمریکا، می تواند بایران بازگردد. یا سقوط دولت موقت، ضربه سختی بر این پلی وارد آمده، ولی این پلی هنوز بکلی و تنها برداشته نشده است. آنرا باید بکلی و تماما برداشت و سرپل داخلی آنرا، نیز، که سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی است، از بنیاد برکند.

واقعه ملاقات و مذاکرات با برژینسکی، واقعه ای تصادفی نیست. چنین نیست که برژینسکی، آقای منس

در جلسه علنی پنجشنبه...

پس از صحنه ۲

ماهیت امپریالیسم آمریکا تجاوز ذات

سپس دکتر ولایتی پشت تریبون قرار گرفت و ضمن تقاضای اینکه بحثها طوری باشد که کمیسیون ویژه بتواند نظر مجلس را بنهد، از جمله گفت:

«لازم است که در ابتدا ماهیت رژیم آمریکا را بگویم. ماهیت و طبیعت حکومت و سیستم آمریکا طوریست که تجاوز در آن نهفته است، یعنی حیات امپریالیسم یسنگی این است که دیگران را استثمار کند و اگر خودش از این خواهد رفت، اینکه ما ساده لوحانه یا قبیله بر خوردم بکنیم، مشکلی را از ما حل نخواهد کرد. و تنها می بینید هر نوع رفتار ملایمی که در حال حاضر بسیاری از کسانی که به یک سبک دیگری غیر از خط امام فکر می کنند، تومسه می کنند، در گذشته دمرود اینها عمل شده، یعنی بعد از انقلاب، آمریکا آن بر خوردمی که حقش بوده انجام نشده و بطوریکه این مردم ما میدانستند که آمریکا در پشت حکومت محضرفضا قایم شده و گاهی اوقات خیلی هم پنهان بود و آشکارا دست آمریکا در مطالبی که به این ملت می شد، آشکار بود، یا اینکه بعد از انقلاب رفتار

بازرگان را در الجزایر «غافلگیر» کرده و «مثل شمر» بر وی تاخته و آقای منس بازرگان هم در مقابل این «شمر» خود را یافته و یا او مجبور به مذاکره شده است! واقعه ملاقات با برژینسکی اقدام طبیعی و منطقی شی سیاسی منینی است که زمانی بسیار دراز از طرف بورژوازی لیرال، قبل و بعد انقلاب، دنبال شده و می شود. این شی سیاسی، قبل از انقلاب، بصورت «شکونایه» در میان «شمر گل» به سفارت آمریکا و ملاقات محرمانه با کارمندان سفارت آمریکا در جریان انقلاب، بصورت پیشنهاد فحش مرحله ای انقلاب برای جلوگیری از انفجار انقلابی، بهنگام انفجار انقلابی به صورت «قرارهای مفصل و دقیق» با سویلوان، بقصد اینکه در «دولت احتمالی مهدی بازرگان» تأیید ارتش (تأییدشاهی) حفظ شود، و پس از انقلاب، بصورت کوشش در حفظ وابستگی، از جمله وابستگی نظامی، تحت عنوان «چون وابسته بوده ایم بناچار باید وابسته بمانیم» بروز کرده است.

ملاقات و مذاکرات با برژینسکی اقدامی است در مسیر این شی سیاسی بورژوازی لیرال و نهضت ملی تصادفی.

این شی سیاسی، معروف به «خط ۳۳ بگوید»، با خط امام که آمریکا را «شیطان بزرگ» و «شمن اصلی» میداند، که «همه گرفتاریهای ما از اوست» البته متناقض است، و بهین دلیل ملاقات و مذاکرات برژینسکی بدون اطلاع امام و شورای انقلاب انجام گرفته است.

ملاقات نمایندگان دولت موقت (منس بازرگان، دکتر یزدی، دکتر چمران) با برژینسکی، تلاقی خط برژینسکی با خط ۳۳ بگوید است که یکی درصدد خنثی کردن انقلاب ایران از طریق وابسته ساختن مجدد ایران بکمک وابستگی های بازمانده، و دیگری قبول مجدد وابستگی، بدلیل وجود بقایای وابستگی، بوده و هستند. تلاقی این دوخط آمریکائی و بورژوازی لیرال ایران، «جزئیات» نیست، بلکه جادسازی برای ضد انقلاب مزخرفه است و بنابراین آقای منس بازرگان که لفظی میفرمایند وقتی میگویند: «ما هیچوقت جزئیات مسائل را به امام و به شورای انقلاب مطرح نمی کردیم»

مذاکراتی که در الجزایر بین برژینسکی از یکسو و آقای منس بازرگان، دکتر یزدی و دکتر چمران صورت گرفته، مذاکراتی در سطح بالا و مذاکراتی «بین مشاور امنیت رئیس جمهور آمریکا - که مهم ترین طراح سیاست خارجی آن کشور است - با نخست وزیر، وزیر امور خارجه و وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران بوده است. بنابراین تمامی این مذاکرات ثبت شده است. لذا پروتکل این مذاکرات موجود است، و این پروتکل برای رسیدگی به چگونگی و مضمون مذاکرات و موضعگیریهای طرفین مذاکره نسبت به مسائل مطرحه، باید در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و باطلاع مردم برسد.

اگر گفته شود که چنین پروتکلی نیست، بپرداز بدر است، زیرا که در آن صورت معلوم میشود که نه

فقط تصدیملاقات با برژینسکی از امام و شورای انقلاب، پنهان نگه داشته شده، تا مانع بر سر راه انجام آن پیش نیاید، بلکه قصد پنهان نگاه داشتن مضمون مذاکرات و قرارها و توافقهای احتمالی، که ضمن آن صورت گرفته، نیز بوده است. «خط ۳۳ بگوید» در سطحی که انجام گرفته، و «خط ۳۳ بگوید» در هر سطحی که بین نمایندگان دو دولت انجام گیرد، بدون پروتکل مذاکرات نیست. بنابراین پروتکل مذاکرات الجزایر باید موجود باشد و نمایندگان دولت موقت باید آنرا در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار دهند، تا افکار عمومی از آن اطلاع حاصل کند.

باید مواکد تصریح کنیم که فرض از پیشنهاد و مطالبه ما دمرود ضرورت ارائه پروتکل مذاکرات الجزایر، ایجاد ناراحتی برای آقایان منس بازرگان، دکتر یزدی و دکتر چمران نیست، ما حزب سیاسی هستیم و کمترین حب و بغضی نسبت به اشخاص نداریم و تمیزاتیونم داشته باشیم. ولی اعتقاد راسخ باین حقیقت داریم که، خط ۳۳ بگوید، پلر گرانی است بر دامن انقلاب ایران، که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باید آنرا فروانبارند، تا سبکبار به یسرف خود بسوزند و قطعی و نهائی جواند ادامه دهد. ما اعتقاد راسخ داریم که تا زمانی که خط ۳۳ بگوید هنوز پلی و فعل است، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در معرض مخاطره جدی است، زیرا خط ۳۳ بگوید در واقع و در عمل با پنده کردن خط برژینسکی - خط آمریکا در ایران است، این خطر باید بکلی و تماما مرتفع شود.

بسیار ملایم و متناسب با عرف بین المللی با آمریکا شد. اما میخواهیم ببینیم در مرضی آن هفت شب - نه ماهی که از انقلاب گذشت و این رفتار ملایم و متناسب با عرف دیپلماسی جهانی، که با این ایرقدوت پیش گرفته شد، آیا آن دست از کارهایش برداشت؟ و یا اینکه استاد لانه جاسوسی، که بعد از صرف لانه جاسوسی منتشر شده نشان میدهد که هیچ زمانی این سفارت غافل نبوده از توقف در انظار مختلف و به اشکال مختلف. شما می بینید که حتی در یک گروه باسطلاح رادیکال مذهبی مثل فرقان جلوری دست آمریکا بوده و از چپ ترین جبهها تا راست ترین راستها، آمریکا، بالاخره آنجایی که شما آنها را رود روی خود می دیدید پنهان بوده. پس این ماهیت امریکادست و ما نمیتوانیم ساده لوحانه با این قبیله برخورد کنیم و مثلا از آن تناسباتی که خوب، همانطور که آقای هادی قانازی هم اشاره کردند، مثل قبیله برژینسکی، البته اینرا ما معتقد نیستیم که روی سوه نیست بوده، اما تکرش ساده لوحانه به قبیله است. یعنی اگر قرار باشد که انسان قضایا را آنطور که باید باشد نگاه نکنند و از همتش آگاه نشود، آنطور برخورد می کند که ما در آن ایام برخورد کردیم و منجر شد به آنکه آن ملتی که انقلاب کردند، انقلاب خودشان را از آن انطاط نجات بدهند، اما راجع به آفات این «گروگانگیری»

الله در عرف بین المللی ممکن است، یک محکومیتی داشته باشیم، اما احمیت به آن نمی دهم. ملتای مستضعف در جهت این عمل ما بودند و بخصوص علکرده شان بعد از اینکه نشان داد که ما را تأیید می کنند. اشکرات مثبت، مهمتریش در جبهه داخلی این بود که انقلاب ما را از حالت قفای به یک حالت تهاجمی در آورد و ما تا زمانیکه انقلابمان حالت و گشی تهاجمی دارد، می تواند به حیات خودش ادامه دهد. هر زمانیکه حالت قفای گرفته، باید که انحطاطها شروع شده است.

دکتر ولایتی در بخش دیگری از سخنان خود گفت:

«شما می دانید که حق تصمیم گیری را امام قبل از تشکیل مجلس به مجلس محول کردند، اما ما بملت کارهای که داشتیم دیر به دیر این کار برداشتم. کسانی نسبت به این مسائل اظهار نظر کردند که بی چاره نه مسئولیتی را داشتند نه صلاحیتش را و در رادیوها و مطبوعات خارجی به گفته های اینها استاد می شود، که بله، این همه آدمهای حاسبی هستند که در این سلطت پیدا می شوند در برابر ملایک رژیم که روحانیت سردمدارش هستند. اینها مورد تهاجم و حمله قرار می گیرند. شما دیدید که افرادی که اصلا که در این مسئولیت بودند و در این صلاحیت بارها گفته اند این گروگانگیری عمل غلطی بوده و این از رسانه ها پسا

اگر اندیسان پخش شده و در سطح جهانی مورد تجزیه تحلیل های کذب و برهلیه انقلاب اسلامی قرار گرفته. پس خود نفس تصمیم گیری یک عمل مثبت و لازم است، اینکه اینجا گفته می شود هر چه زودتر تکلیف معلوم بشود، مختراش این نیست که حتما اینها را با هیچ قید و شرطی رها کنند. بعضی از دولتران که روششان یا روش کلی این انقلاب نمیتواند طبیعی است که از این «گروگانگیری» ناراحتند، ولی چون نمیتواند کاری بکنند، گهگاه یک نیشی میزنند و این به صلحت انقلاب نیست و ما باید هر چه زودتر تصمیم بگیریم، حالا در جهت صحیح و منطبق با خط امام و رهنمودهاییکه امام فرمودند.

دکتر ولایتی در پایان سخنان خود گفت:

«ما به کسانی رای بدهیم برای کمیسیون ویژه که به اصالت تصرف لانه جاسوسی معتقد باشند و معتقد باشند که این انقلاب به مراتب از انقلاب اول بزرگتر بود و بر اهمیت تر بود و معتقد باشند که این عمل باعث شد که انقلاب ما به خارج ز مرزها صادر شود و این عمل باعث شد که انقلاب ما را از حالت انحطاط و قفای نجات دهد و به حالت تهاجمی و تهریک بکشاند. بنابراین این شرایط انتخابشوندگان باید منطبق با طرز فکر آنها و شناختی باشد که ما از آنها داریم»



مشاور وزارت امور مذهبی الجزایر:

آزادی کامل مذهب در شوروی وجود دارد

انتخاب الرمی، مشاور وزارت امور مذهبی الجزایر، که همراه با نمایندگانی مسلمانان پیش از سر کنکور جهان در کنفرانس بزرگ اسلامی تاشکند پایتخت ازبکستان شوروی، شرکت کرده بود در یک مساعده مطبوعاتی گفت:

«دیپدار از هر خانواده دیندار در اتحاد شوروی، دیدار از هر مسجد در شهر و روستا، انسان را متقاعد میسازد که آزادی کامل مذهب در اتحاد شوروی وجود دارد و دولت برای مذهب احترام قائل است.»

مقام مذهبی برجسته الجزایر افزود:

«هنر با احسان عینی به مسجدی که اخیراً در شهر کوچک «نیگریبول» ازبکستان افتتاح شد، قدم گذاشتیم. مقامهای محلی این شهر قطعاً زمین در اختیار مسلمانان قرار داده و به ساختمان این مسجد نیز کمک کرده‌اند. ما در مسجد، پشت‌پوش‌های مذهبی جوان، که از استتوی اسلامی تشکند فرغ تحصیل شده بود، نماز گذاریم و این در حالی است که تبلیغات غربی درباره مقام اسلام در اتحاد شوروی اراجیف و باطلبل بیخورد مردم میدهد.»

دیگر شخصیت‌های برجسته مسلمان نیز که در کنفرانس بزرگ اسلامی تاشکند، که بنسبت آغاز قرن پانزدهم هجری برپا شد، شرکت کرده بودند، در این کنفرانس مطبوعاتی حضور داشتند. حاج ابراهیم عبدالسالم، معاون شورای عالی اسلامی اتیوپی گفت: «همکشان ما در اتحاد شوروی در حالت آرامش و رفاه کامل وارد قرن پانزدهم هجری میشوند. مسلمانان اتحاد شوروی حق دارند نسبت به کشور خود و جامعه خود که در آن هرکس از فرصتی برابر با دیگران برخوردار است و هرکس بر طبق اقتضات خود رفتار می‌کند، احساس غرور کند.»

خالد قول‌منصور، وزیر دادگستری و اوقاف جمهوری دمکراتیک خلق یمن، در این کنفرانس مطبوعاتی گفت:

«در کنفرانس تاشکند ما درباره مجزه یامبر، میراث پیامبر اسلام درباره وطنه مسلمانان و همه مرتبه، با حسنیت و برای حفظ صلح و تعین زندگی شادمانه برای قتل آینده بحث کردیم.»

شیخ عبدالحمید السامح، رئیس کیت نجات بیت‌المقدس، در این مساعده گفت:

«بدون شک همه مردم با حسنیت اسناد کنفرانس، یعنی اعلامیه خطاب به متکلمان جهان، بیانیه همسنگری با مردم فلسطین و عمان که قربانیان تجاوز اسرائیل هستند و اعلامیه مربوط به بیت‌المقدس را مطالعه خواهند کرد. این اسناد متعکس کننده‌ها و آرزوهای میلیونها تن از هندکشان ما در سراسر جهان است. کنفرانس تاشکند در تبرع اسلام بعنوان یک رویداد برجسته ثبت خواهد شد.»

بحران اقتصادی در اسرائیل هر روز از روزی عمیق‌تر می‌شود

اوضاع اقتصادی اسرائیل روز بروز برار سیاست تجاوزکارانه و تأسیسات داروسته صیویتی حاکم بر این کشور وخیم‌تر می‌شود. به موجب امار رسمی منتشره در تل‌آویو، در ماه گذشته، نرخ تورم در کشور ۸۷ درصد افزایش یافته است. اگر این نرخ تا پایان سال جاری همچنان باقی بماند می‌توان گفت که سال ۱۹۸۰ در اسرائیل، با نرخ تورم ۱۳۸ درصد پایان خواهد پذیرفت. سال پیش نرخ تورم در اسرائیل به ۱۳۳ درصد رسید. این تورم فزاینده زحمتکشان اسرائیل را شدیداً در معرض فقر قرار داده است.

حادثه‌ای که در نظر اول شوخی مینماید و در واقع اسفناک است دهان به‌دهان در اسرائیل حکایت میشود زیرا تشنه خشم و نفرت و ناراضی مردم است. جریان از این قرار است که یک ستاروشناسی اهل تل‌آویو آنجسی را با نام جامعه «نجات ملی» تشکیل داده است تا بقول خود حوادث را پیش‌بینی کرده و دولت را از اقتضای تصمیم‌های فحاشیت بلذارد(!) اما حتی این ستاروشناسی نیز در مساعده با مطبوعات گفته است: اوضاع کشور آنگه‌اناسفیلر و سیاست‌های رژیم یگین آنگه‌ان اسارت‌آور است که حتی نفت و ابلال و رمل و اسطراب هم نمی‌تواند کاری صورت دهد.

رهبر فلسطینی: بعثت قدرت سوسیالیسم، امپریالیسم قادر به تحمیل اراده خود بر خلقها نیست

محمد احمد عاشور، یکی از رهبران برجسته فلسطینی، اعلام کرد که در نتیجه رشد و توان عظیم اقتصادی و سیاسی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، امپریالیسم دیگر نمی‌تواند مانند گذشته اراده خود را بر خلقها تحمیل کند و کشورهای جهان را به اسارت خود درآورد.

رهبر فلسطینی اضافه کرد که امپریالیسم آمریکا، با دست زدن به مبارزه افترامیز پیرامون افغانستان، سعی دارد توجه جهانیان را از افزایش حضور نظامی خود درخلیج فارس و خاورمیانه منحرف کند و ایجاد پایگاههای نظامی جدید را در کشورهای مختلف از انتظار پنهان سازد. اما اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی در برابر این طرح‌های خطرناک ایستاده‌اند و اردوگام سوسیالیستی قاطعانه با سیاست امپریالیستها درمورد صدور فساد انقلاب مقابله میکنند.

محمد احمد عاشور این مطالب را در مقاله‌ای که در مجوعه‌ای بنام «د افغانستان بیرونی فساد انقلاب امکانپذیر نیست، برشته تحریر در آورده، عنوان کرده است.

توضیح لازم

متاسفانه در شماره شنبه نامسه «مردم» - ۲۹ شهریور ۵۹ - درجای سخنان آقای شرافت، در پاسخ به آقای مهندس یازرگان اشتباه چاپی روی داده است. عین سخنان آقای شرافت، با پیوسته از ایشان - که در صفحه اول همان شماره نامسه «مردم» آمده چنین است: «من مین جمله را از خود امام پرسیدم، امام فرمودند: لفظش اینست: «دروغ می‌گویند»»

اهی شرافت افزود: «داین آقای یازرگان زیاد دروغ می‌گویند، کارش همین است.»

هیئت نمایندگی...

قیه از صفحه ۱
در تهران، درباره علت سفر این هیات به ایران، در گفتگویی با خبرنگاری پارس اظهار داشت:

«این هیات از ۶ نفر تشکیل شده است، که ۴ نفر از مقامهای یازرگانی دولت شوروی در آن عضویت دارند و ۲ نفر دیگر را مقامهای جمهوری ازبکستان شوروی تشکیل میدهند. سرپرستی این هیات با اقای «گریشن» معاون وزارت یازرگانی دولت شوروی است.»

آقای لاشین افزود:

«هدف از سفر این هیات به ایران شرکت در نمایشگاه بین‌المللی تهران و مذاکرات بازرگانی با مقامات ایرانی است. در مورد خرید نفت و گاز توسط شوروی از ایران، ما قبلاً تقاضای خرید نفت از ایران را کرده بودیم و در این سفر در مورد خرید گاز و نفت از ایران، که فوق‌العاده موضوع مهم است، مذاکره خواهد خواهد شد.»

او همچنین گفت: «سه نفر از اعضای این هیئت که نمایندگند دولت شوروی هستند، یک هفتک و نمایندگان جمهوری ازبکستان دو هفتک در تهران اقامت خواهند داشت.»

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

- ج. آگاه ۵۰۰۰۰ ریال
- ب. ن. ۶۰۰۰۰ ریال
- م. ک. ۵۰۰۰۰ ریال
- سیم شمال ۲۰۰۰۰ ریال
- الف - لام ۵۰۰۰ ریال

از خورشید فروغ: م. مقدم به حزب پدرش، نییپه‌پولی سابق

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه‌ها)، بیانیه‌ها و... منتشره در نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به‌وسوسه‌ترین شکل تکثیر کنید و به‌توده‌های مردم پسرسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مهم انقلابی است.

پیام سازمان جوانان توده ایران بمناسبت آغاز سال تحصیلی مدارس را به سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدل سازیم!

مرسه آشوب و هرج و مرج بدل سازد. با هتیار انقلابی، متحدان در مقابل این توطئه‌ها بایستید و خرابکاران را، در هر لباس و هر مقامی، افشاء و طرد کنید.

دانش‌آموزان عزیز! امروز چشم میلیونها ایرانی به شما دوخته شده است، تمایز که می‌باید در ساختمان ایرانی نو شرکت فعال داشته‌باشید. شما در مرحله اول انقلاب - مرحله مبارزه برای سرنگونی رژیم گذشته - با شرکت پراپتار و فعال خود نشان دادید که از توانمی و شایستگی عظیمی برخوردارید. همانطور که شمار در آن زمان با تعطیل کلاسها، ظاهرات خیابانی، ساختن سنگر-های خیابانی و شرکت در نبرد مسلحانه به سرنگونی رژیم شاه سابق کمک کردید، در این مرحله باید از انقلاب و دستاوردهای آن در قبال توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم و فساد انقلاب دفاع کنید. با شرکت فعال در کلاسهای درس، خوب آموزی دروس و گوشش در جهت حفظ نظم و آرامش مدارس، وظیفه انقلابی خویش را در بازسازی و توسازی کشور انقلابی ایفاء کنید. شرکت در اسامی وسیع و ارتش ۲۰ میلیونی وظیفه انقلابی شماست. باید مدارس را به سنگر دفاع از جمهوری اسلامی ایران بدل ساخت.

دانش‌آموزان عزیز! ایران انقلابی، به دست‌های پرتوان و منزه‌های خلاق و اندیشمندان نیازمند است. با فراگرفتن علوم و فنون خود را برای ساختمان همین انقلاب آماده سازید.

سازمان جوانان توده ایران، موفقیت شما را در انجام وظیفه بزرگ که در پیش دارید، خواستار است.

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۶/۲۹

های فساد انقلاب، از مزدوران امپریالیسم و طرفداران بختیار گرفته تا گروهک‌های فساد انقلابی راست و چپ‌نما، می‌کوشند تا با پهنانه‌های کوناگون - بیوسوزه نارسایرهای آموزش و پرورش و نیز تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی حدادرس را به تعطیل بکشانند و از اینراه زمینه را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و انهدام حاکمیت امپریالیسم آماده سازند. از همه اکنون زمره‌های تدارک ایمن خرابکاری و تشنج آفرینی بکوش می‌رسند.

مسئولین محترم آموزش و پرورش! ما ضمن ارجحی بر آن اقدامات شستی که تاکنون انجام داده‌اید، حصر از شما می‌خواهیم که با رفع نارسایرهای افراط کاریا و انحصارطلبی‌های موجود در محیط آموزشی، و تبدیل آن به محیط سازنده در تربیت نسل جوان بر مبنای نیازها و ضروریات انقلاب، زمینه‌های فعالیت فساد انقلاب را از میان ببرید.

با شرکت دادن فرهنگیان متعهد و مومن به انقلاب، بسا ملحوظ داشتن نظریات و خواستهای منطقی دانش‌آموزان، در جهت بیسود وضع آموزشی کشور و رفع نارسایرهای موجود بکوشید. تنها از این طریق است که می‌توان آموزش و پرورش را به‌مرصه‌های فعال برای پاسخگویی به نیازهای جمهوری جوان اسلامی و بستگری در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن بدل ساخت.

دانش‌آموزان گرامی! فساد انقلاب می‌کوشد در جامعه‌های مختلف و با پهنانه‌های مختلف، با مطرح کردن خواستهای گاه بحق شما، با انگشت گذاردن بر روی کاسترها و نارسایرهای موجود، یا عهده کردن انحصار طلبیها و تشنج‌نظری‌های برخی مسئولین و... مدارس را به

سازمان جوانان توده ایران آغاز سال تحصیلی جدید را به همه دانش‌آموزان و فرهنگیان تبریک می‌گوید و سال تحصیلی شکوفا و پرثمری را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و بدست ساختن ایرانی مستقل، آباد و آزاد آرزوست.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌گردد که از سویی، رشد و تعمیق انقلابیان، کین و خشم حیوانی امپریالیسم را - که منافع خود را سخت در خطر می‌بیند - پراشکخته است و این امر جمهوری اسلامی ایران را در معرض جدی-ترین تهدیدها و توطئه‌های امپریالیسم و فساد انقلاب قرار داده است. تا جاتی که ارتش مزدور عراق سراسرهای مرزی غرب کشور را زیر آتش هوایما و توپخانه‌های خود گرفته است، و هم‌اکنون مبین عزیز ما در یک جنگ تحمیلی بسر می‌برد.

از سوی دیگر انقلاب ایران با مشکلات و مسائل دیگری است که هم ناشی از میراث شوم گذشته و عوامل بی‌بی و هم متاسفانه نتیجه عدم مدیریت، نداشتن کاربای، کارشکنی لیبرالها و سازشکاران و خرابکاریهای عناصر چپ‌نما و راست افراطی است.

در زمینه آموزش و پرورش نیز، علیرغم اقدامات جدی که توسط مسئولین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، تاکنون انجام گرفته، نظیر دولتی کردن مدارس، منطقاتی کردن مدارس و پاک سازی ساواکرها و عمال ضد انقلاب، متاسفانه نارسایرهای افراط کاریها، تمللها و تسامح‌ها کم نیستند. اقداماتی نظیر منصفه بختی از کادر آموزشی متعهد و مومن به انقلاب، تحت عنوان مفیر اسلامی بودن از جمله اقداماتی هستند که زمینه را برای نارسایر فراهم می‌سازند.

با آغاز سال تحصیلی، نیرو-

نقشه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 338 22 September 1980

Price:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

دعوت برای شرکت هر چه وسیع‌تر در انتخابات سندیکای کارگران صنعت چاپ

مسئولین سندیکای صنعت چاپ از برادران و خواهران کارگر صنعت چاپ دعوت کرده‌اند تا برای انتخاب نمایندگان شایسته خود، روز شنبه اول مهر ۵۹ در خانه کارگر گروه آیند. مسئولین متذکر شده‌اند: حال که دشمن در برانهدام جمهوری اسلامی است، باید که تمامی مردم در صحنه باشند. این صحنه برای کارگران صنعت چاپ، در حال حاضر سندیکاست که با متشکل شدن در آن، میتوان با کمک و هنگری دیگر کارگران به حق قانونی تامل آمد.

مسئولین سندیکای از کلیه برادران و خواهران کارگر، که در چاپخانه‌های زیر صد نفر کار میکنند، دعوت کرده‌اند که هر چه وسیع‌تر در انتخابات سندیکای مشارکت جویند.

پیام رهبر هند به رهبر افغانستان

سفیر هند در کابل، با بیرک کارمل، رهبر افغانستان ملاقات کرد. به‌گزارش خبرنگاری باختر، در این ملاقات، پیام آیندیرا گماندی، نخست‌وزیر هند به رهبر افغانستان تقدیم شد. در این پیام ضمن ابراز آرزوی رفاه برای مردم افغانستان، اطمینان داده شده است که دولت هند همواره برای توسعه روابط با افغانستان تلاش کرده و خواستار حل فصل‌سیاسی صلح‌آمیز برای مسائلی است که در اطراف افغانستان موجود آمده‌است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود